

مطالعه تطبیقی نگرش ایلچیان ایران با سفیران روسیه در آغاز سلطه نظامی روس‌ها بر فرارود*

حسن شجاعی مهر^۱

چکیده

این تحقیق برآن بوده است تا تفاوت نگرش سیاسی سنتی ایلچی‌های ایرانی را با نگرش دیپلماتیک مدرن سفیران روسی در منطقه فرارود آشکار سازد. سفرنامه بخارا گزارش سفر یک ایلچی ایرانی است که از سوی محمد شاه قاجار به بخارا اعزام شد. سفارت نامه خوارزم نیز گزارش سفر میرزا رضا قلی خان ایلچی ناصرالدین شاه قاجار است که به خیوه اعزام شد. سفرنامه ترکستان گزارش پاشینو مأمور محرمانه روسیه در تاشکند از سفر به فرارود می‌باشد. شرح آسیای مرکزی نیز گزارش کستنکو مأمور نظامی روسیه در منطقه فرارود است. هر چهار متن تاریخی به یک دوره تاریخی در سده سیزدهم هجری در منطقه فرارود تعلق دارند؛ یعنی از اندکی پیش از سلطه نظامی روس‌ها تا آستانه تهاجم آنان به این منطقه. در این تحقیق بر اساس روش مقایسه‌ای و تحلیل محتوا، نگرش دیپلماتیک دو مأمور ایرانی با دو مأمور روسی مورد بررسی قرار گرفته است. حاصل تحقیق همین است که روس‌ها دنیاگرایانه در منابع، فرهنگ، اجتماع، دین، سیاست، آداب و رسوم جستجو می‌کنند و می‌خواهند از همه امکانات و منافع اقتصادی موجود نهایت بهره‌برداری را داشته باشند و با سلطه نظامی مالکیت سیاسی سرزمینی را از آن خود سازند. در حالی که ایرانی‌ها برای بزرگنمایی شکوه و جلال اعلی حضرت شاهنشاه می‌کوشند و فقط در پی باز پس‌گیری ولایات از دست رفته و آزادی اسیران خود می‌باشند. واژگان کلیدی: ایلچی، سفیر، نگرش سیاسی، ایران، روسیه، فرارود.

A Comparative Study of the Attitudes of Iranian Envoys and the Russian Ones on the Eve of the Russian Military Invasion of Transoxiana

Hassan Shojaeemehr²

Abstract

The aim of this survey is to reveal the differences between the traditional political attitudes of Iranian envoys and the modern diplomatic attitudes of Russian ambassadors in Transoxiana region. Bukhara logbook is a report of an Iranian envoy that has been dispatched to Bukhara by Mohammad Shah Qajar. The travelogue of Khorezmis is also a report of Reza Qoli Mirza Khan, envoy of Naseraddin Shah Qajar that has been dispatched to Khiva. Turkistan travel trip report is the report of Pashino who was the secret agent of Russia in Tashkent about his travelling to Transoxiana region; description of Central Asia of Kostenko that was the Russian military official in the region of Transoxiana. Each of the four historical texts belongs to the same historical period, that is, the thirteenth century AH in Transoxiana region, a short while before Russian military domination up to their invasion's threshold in this region. In this survey the diplomatic attitude of two Iranian agents with two Russian agents has been evaluated according "Comparative" & "Content analysis" methods. The result of this survey expresses that the Russians seek sources, culture, society, religion, policy and customs secularly and they want to have maximum exploitation by all existed facilities and economic interests and through military domination to gain political control of a land while the Iranians were just making effort to keep the king's magnificence and grandiosity and are just thinking about retaking lost cities and states and release their captives. Keywords: Envoy, Ambassador, Political attitude, Iran, Russia, Transoxiana

۱. دکترای تاریخ و مدرس مهمان در گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی * تاریخ دریافت ۱۳۹۴/۳/۱ تاریخ پذیرش ۱۳۹۴/۶/۱۲
2. Ph.D in history, and instructor at the History Department of ShahidBeheshti University.
E-mail:hassan_shojaeemehr@yahoo.com

فرستاد باید فرستاده‌ای
 درون پُر ز مکر و برون ساده‌ای
 (فردوسی)

مقدمه

سفرنامه بخارا^۳ گزارش سفر یک ایلچی ایرانی است که از سوی محمد شاه قاجار (۱۲۲۲-۱۲۶۴ ق.) بین سال‌های ۱۲۵۹-۱۲۶۰ ق./۱۸۴۳-۱۸۴۴ م. همراه با خلیل خواجه ایلچی امیر بخارا به تختگاه امیرنصرالله پسر حیدر توره - اوزبک از طایفه منغیت (۱۸۲۶-۱۸۶۰ م.) در بخارا، اعزام شده بود. سفارت نامه خوارزم^۴ نیز گزارش سفر میرزا رضاقلی خان طبرستانی ملقب به لله باشی مشهور به هدایت (۱۲۱۵-۱۲۸۸ ه ق) ایلچی دولتی است که در سال ۱۲۶۷ ق./۱۸۵۱ م. از سوی میرزا تقی خان امیرکبیر (۱۲۲۲-۱۲۶۷ ق.) همراه با ایلچی امیر خوارزم آتانیاز محرم به تختگاه محمدامین خان - اوزبک از طایفه قنقرات - (۱۲۶۱-۱۲۷۱ ق.) در خیوه، اعزام شده بود. سفرنامه ترکستان^۵ گزارش سفر دکتر پیتر ایوانوویچ پاشینو (۱۸۳۸-۱۸۹۱ م.) نایب سفارت روسیه در تهران و مأمور محرمانه روسیه در تاشکند است که در سال ۱۲۸۳ ق. یعنی یک سال پس از به تصرف روس‌ها درآمدن آن‌جا نوشته شد. شرح آسیای مرکزی و انتشار سیویلیزاسیون روسی در آن^۶ گزارش سروان ستاد کستنکو مأمور نظامی روسیه در منطقه فرارود است که در سال ۱۲۹۵ ق./۱۸۷۸ م. نوشته شد. این دو گزارش متعلق به دوره تزار الکساندر دوم (۱۸۵۵-۱۸۸۱ م.) است که ترکستان در دوره او توسط ارتش روسیه فتح گردید. روس‌ها در سال ۱۲۸۶ ق./۱۸۶۸ م. بخارا را تحت‌الحمایه خود کردند و در سال ۱۲۹۰ ق./۱۸۷۳ م. خیوه را به خاک خود ملحق ساختند و در سال ۱۲۹۳ ق./۱۸۷۶ م. خوقند را ضمیمه خاک روسیه کردند.

این بررسی قصد ندارد تا گزارش‌های فوق را از نظر تاریخ نگاری با یکدیگر مقایسه نماید، یا این که وقایع نگاشته شده در هر یک از این سفرنامه‌ها را در مقام قیاس بررسی کند و یا نحوه نگارش این سفرنامه‌ها، نوع بیان ادبی، استفاده از الفاظ و استعارات و طرز بیان وقایع سیاسی و اوضاع اجتماعی و آداب و رسوم و آیین مردمان فرارود را در این گزارش‌ها مقایسه نماید. این مقاله

۳. سفرنامه بخارا، تصحیح حسین زمانی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۳).

۴. رضاقلی خان هدایت، سفارت نامه خوارزم، تصحیح جمشید کیان فر (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۵).

۵. پیتر ایوانوویچ پاشینو، سفرنامه ترکستان، ترجمه مادروس داودخانف (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۲).

۶. کاپیتان اتاماژور کستنکو، شرح آسیای مرکزی و انتشار سیویلیزاسیون روسی در آن، ترجمه مادروس داودخانف (تهران: موسسه

تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳).

بر آن است نوع نگرش دیپلوماتیک مأموران ایرانی را با مأموران روسی مورد توجه قرار داده و نگرش دیپلوماتیک این مأموران را بر اساس متن گزارش‌های تاریخی آن‌ها مورد بررسی قرار دهد. در این تحقیق نوع نگرش دیپلوماتیک این مأموران به موضوع مأموریت آن‌ها واجد اهمیت است. بنابراین، سلاطین، خلق و خوی، اعتقادات، تربیت اجتماعی و امثال آن ملاک توجه نبوده است. در این بررسی مقایسه دو نگرش نسبت به یک موضوع مشترک در یک منطقه واحد و در یک دوره زمانی مشخص مورد نظر بوده است.

در پاسخ به این اشکال که نگرش به یک موضوع امری درونی است و بررسی آن به صورت داده‌های تاریخی امری دشوار است و نمی‌توان آن را مورد مقایسه قرار داد. چرا که ممکن است مأموری ادراک خود را از امر واحدی در متن تاریخی به دلیل ناتوانی در بیان نیاورده باشد و یا به دلیل معذورات شغلی و یا محدودیت‌های سیاسی نتوانسته باشد در گزارش خود منعکس نماید و دیگری به دلیل عدم وجود معذوریت و محدودیت آن ادراک را به قلم آورده باشد. برای رفع این اشکال در این تحقیق فقط شواهد مشترک در این گزارش‌ها مورد مقایسه قرار خواهد گرفت و از مواردی که یکی گزارش کرده و دیگری گزارش نکرده استفاده نخواهد شد. این شواهد مشترک در موضوع مأموریت، برای مقایسه تفاوت نگرش در این گزارش‌های تاریخی توسط دو مأمور ایرانی و دو مأمور روسی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

چرا در این بررسی مقایسه‌ای این چهار متن انتخاب شده است؟ این چهار گزارش از یک منطقه جغرافیایی مشخص ارائه شده که دارای وجوه مشترک تاریخی و یک بافت فرهنگی و اجتماعی مشابه و به یک دوره زمانی مشخص تاریخی تعلق دارند. هر چهار گزارشگر مأموران سیاسی دولت مطبوع خویش بوده‌اند و بر اساس آن چه از متن‌ها بر می‌آید همگی از افراد با هوش و زیرک و دارای استعداد کافی برای انجام مأموریت خود بوده‌اند و از شخصیت‌های سیاسی و آگاه از امور منطقه به شمار می‌رفتند. در گزارش آن‌ها موارد مشترک متعددی به چشم می‌خورد که با رویکردهای دیپلوماتیک متفاوتی به آن نگریسته شده است. به همان اندازه که نگرش مأموران ایرانی با روسی تفاوت دارد، نگرش دو مأمور ایرانی نسبت به هم و دو مأمور روسی نسبت به یکدیگر بسیار نزدیک است. از این رو در این تحقیق دو گزارش ایرانی و دو گزارش روسی مقایسه شده است تا علاوه بر تفاوت نگرش‌های مأموران بیگانه شباهت‌های نگرش‌های مأموران خودی با یکدیگر نیز مورد توجه قرار گیرد.

فرضیه این تحقیق بر اساس تفاوت نگرش‌های دیپلوماتیک مأموران ایران با مأموران روسی

طرح شده است. از یک سو، به لفظی که آن روزها به کار برده می‌شد، ایلچی‌های ایرانی متأثر از نگرش سنتی جامعه ایرانی و حکومت قاجاریه، دارای نگرش دیپلماتیک سنتی ایرانی بوده و در دیگر سو، سفیران روسی متأثر از دولت و جامعه مدرن تزاری از نگرش دیپلماتیک مدرن روسی برخوردار بوده‌اند.

پرسش اصلی تحقیق این است که مقارن با سلطه روس‌ها بر فرارود، آیا تفاوت آشکاری میان نگرش دیپلماتیک سنتی حکومت قاجاریه در ایران با نگرش دیپلماتیک مدرن دولت روسیه تزاری وجود داشت؟ بنابر ماهیت مقایسه‌ای پرسش، روش کار در این تحقیق به این ترتیب خواهد بود که با استفاده از این چهار متن تاریخی نگرش دیپلماتیک را از هفده منظر مختلف دو به دو به مقایسه می‌گذاریم تا بتوانیم فرضیه خود مبنی بر تفاوت و مشابهت نگرش درون - گروهی و برون - گروهی فرستادگان را در این هفده مرحله به آزمون بگذاریم. برای آسانی کار چهار متن تاریخی را نشانه‌گذاری می‌کنیم. متن سفرنامه بخارا را با عبارت «ایلچی بخارا» و متن سفارت‌نامه خوارزم را با عبارت «ایلچی خوارزم» و متن سفرنامه ترکستان را با عبارت «پاشینو» و متن شرح آسیای مرکزی و انتشار سیویلیزاسیون روسی در آن را با عبارت «کستنکو» مشخص می‌نماییم. علاوه بر این، شباهت نگرش دیپلماتیک میان «ایلچی بخارا» و «ایلچی خوارزم» و همچنین «پاشینو» و «کستنکو» را با همدیگر نشان می‌دهیم؛ تفاوت‌های آشکار میان نگرش‌های دیپلماتیک میان گروه «ایلچیان ایرانی» و گروه «سفیران روسی» را مشخص می‌سازیم. به این ترتیب خواهیم توانست شباهت‌های میان نگرش‌های دیپلماتیک سنتی ایرانی «ایلچی بخارا» و «ایلچی خوارزم» و همچنین شباهت میان نگرش‌های دیپلماتیک مدرن روسی «پاشینو» و «کستنکو» را نشان دهیم. علاوه بر آن قادر خواهیم بود تفاوت نگرش دیپلماتیک سنتی ایرانی گروه «ایلچیان ایرانی» را با نگرش دیپلماتیک مدرن روسی گروه «سفیران روسی» آشکار سازیم.

جزئی‌نگری در مقیاس‌ها و توجه دقیق به اعداد و امار

۱. گروه «ایلچیان ایرانی»: این گروه، در گزارش‌های خود به کلی گویی پرداخته است. این کلی‌گویی‌ها نشان از کلی‌نگری جامعه سنتی ایرانی به مسایل اجتماعی و سیاسی دارد. ایلچیان ایرانی در گزارش‌های خود از مقیاس‌های بزرگ و تخمینی استفاده کرده‌اند که اغلب نیز نادرست است. در این گزارش‌ها مقیاس زمان «روز» است، مانند «سه روز». همچنین در این گزارش‌ها مقیاس دما عبارت‌های «سردی و گرمی» است، مانند «هوا سرد بود.» یا «هوا گرم بود.» مقیاس

مسافت نیز در این گزارش‌ها «روز» یا «فرسخ نسبی» است. همچنین این گروه در گزارش‌های خود دقت را از عدد یک و دو فراتر نمی‌برد و اغلب اعداد را به صورت دهگان و صدگان و هزارگان گزارش کرده یا از اعداد رمزآلوده ۷، ۱۲، و ۴۰ استفاده نموده و برای مثال از اعدادی مانند ۱۹ یا ۱۷۰ و یا ۷۵۶ به هیچ وجه گزارشی وجود ندارد. از این رو همه اعداد تخمینی و تقریبی بوده از دقت کافی برخوردار نیستند و اغلب اغراق‌آمیز به نظر می‌رسند. همچنین در موارد زیادی به جای عدد دقیق از عبارت تقریبی «چند» به معنی کم یا «بی حساب» به معنی زیاد استفاده شده است.

«ایلچی بخارا»: در گزارش ایلچی بخارا، مقیاس مسافت‌ها روز یا فرسخ به طور تخمینی، و مقیاس درجه حرارت سردی و گرمی است. در سراسر این گزارش کلی‌گویی به اندازه‌های زیاد است که حتی برای گزارش وضعیت اجتماعی مردم از عبارت‌های «اهالی شاکی»،^۷ «اهالی راضی»،^۸ «اهالی مستاصل»،^۹ و «مستغرق بحر دعاگویی»^{۱۰} استفاده شده است. او در یک گزارش عددی آورده است: «سی خانه آبادی به هم رسانیده، یک عراده توپ و یک نفر صاحب منصب با چند نفر توپچی ... دو قنات.»^{۱۱} یا در گزارش دیگری چنین آمده است: «ترکمان تکه در سرخس بیست هزار خانوارند دوازده هزار آن‌ها از تیره توقتمش‌اند ... هشت هزار از تیره آقتمش.»^{۱۲}

«ایلچی خوارزم»: در گزارش ایلچی خوارزم، نیز، مقیاس‌ها بسیار کلی است، مانند «از هزار اسب تا مرو ده دوازده روز راه می‌باشد»^{۱۳} «طول ولایت بخارا یک ماه راه است»^{۱۴} «از طژن (تجن) به خیوق (خیوه) هم به روزی چند آیند»^{۱۵} «هوای شهر در تابستان بغایت گرم است»^{۱۶} «از سردی هوا چون بوم از بومهن لرزیدیم»^{۱۷} «هرات هوایش سازگار»^{۱۸} «همه چیز در آن ولایت ارزان»^{۱۹} و «همه چیز فراوان»^{۲۰} است. او در گزارش‌های عددی خود چنین آورده است: «بخارا دویست مدرسه و هفت مسجد و چهل گرمابه دارد.»^{۲۱} همچنین او در گزارش‌های آماری از جمعیت چنین گزارش کرده است: «در سمرقند صد هزار نفر سکنی دارند»^{۲۲} «در هزار اسب قریب ده هزار کس در آن تمدن گزیده‌اند»^{۲۳} «تراکمه طایفه‌ای بی‌حسابند تعداد آن‌ها بس مشکل است زیرا شهری ندارند که در آن محصور شوند.»^{۲۴} آمارهای اغراق‌آمیز و تخمین‌های غلط او در این گزارش چنان است که

۷. سفرنامه بخارا، ص ۲۰.	۸. همان، ص ۲۰.	۹. همان، ص ۲۲.
۱۰. همان، ص ۲۵.	۱۱. همان، ص ۲۳.	۱۲. همان، ص ۲۸.
۱۳. هدایت، ص ۹۶.	۱۴. همان، ص ۱۱۹.	۱۵. همان، ص ۱۲۴.
۱۶. همان، ص ۹۷.	۱۷. همان، ص ۹.	۱۸. همان، ص ۱۲۵.
۱۹. همان، ص ۹۰ و ۱۰۱.	۲۰. همان، ص ۹۰ و ۱۰۱.	۲۱. همان، ص ۱۱۵.
۲۲. همان، ص ۱۱۸.	۲۳. همان، ص ۹۵.	۲۴. همان، ص ۴۶.

هر خواننده‌ای را متوجه اشتباه بودن آن می‌نماید. مانند «دور شهر خيوه تخمینا یک فرسخ است ... قریب ده هزار کس در آن متوطن اند،»^{۲۵} «در میدان عراده کشان در خيوه زیاده از ده هزار عراده به اسب بسته است!»^{۲۶} «زیاده از پنجاه هزار نفر نوکر و رعایای ممالک ایران در خوق معلوم شد!»^{۲۷} چطور می‌شود شهری ده هزار نفر جمعیت داشته باشد و ده هزار عراده هم داشته باشد! و همین شهر ده هزار نفری، پنجاه هزار نفر اسیر را به عنوان نوکر در خود جای دهد! در جای دیگری همین خطاها را در مورد داده‌های جغرافیایی مرتکب شده و آورده است: «دریای خزر طولش از مشرق به مغرب دویست و شصت فرسخ و عرضش دویست فرسخ!»^{۲۸} یعنی شرق و غرب دریا از شمال به جنوب آن طویل تر است! و یا در مورد دیگری گزارش کرده: «ذکر کوه دماوند (دنیاآوند) ارتفاع آن از زمین چهار فرسخ است. مشهور است سلیمان نبی صخره جنی را در آن حبس فرموده.»^{۲۹} با این حساب ارتفاع کوه دماوند ۲۴۰۰۰ متر خواهد بود! البته برای حبس جنی در این کوه شاید چنین ارتفاعی لازم باشد!

۲. گروه «سفیران روسی»: این گروه، با توجه به تأثیرات عصر جدید در اروپا و جزئی‌نگری علمی، در گزارش‌های خود به دقت به جزئیات توجه دارد و از کلی‌گویی می‌پرهیزد. آن‌ها از دستاوردهای علم جدید در گزارش‌های خود بهره برده‌اند. در این گزارش مقیاس زمان «ساعت» است مانند «یک ساعت» یا «دو ساعت». همچنین در این گزارش مقیاس دما «درجه سانتی‌گراد» است. مانند «ده درجه سانتی‌گراد». مقیاس مسافت به واحد «فرسخ» دقیق است. سرعت جریان آب رودخانه‌ها و ارتفاع دقیق کوه‌ها و شهرها از سطح دریا به دقت اندازه‌گیری شده است. اعداد در این گزارش‌ها معنای ریاضی و واقعی دارند. هرچند که تخمینی به کار رفته باشند ولی تناسب لازم برای اعداد تخمینی و تقریبی کاملاً رعایت شده است.

«پاشینو»؛ او در گزارش خود تمام جزئیات را آورده است. در گزارش وی درجه حرارت شهرها و حداکثر و حداقل آن در تابستان و زمستان،^{۳۰} میزان بارش باران،^{۳۱} میزان بارش برف،^{۳۲} و جهت وزش بادها^{۳۳} با دقت آمده است. تمام واحدهای اندازه‌گیری سطح و طول و اوزان مانند فرسنگ و تاشی (شش ورس) ، طناب (یکصد و سی و پنج ذرع)، کاری و کیاز (برای قماش)، توپی (بیست زرع روسی)، خروار (پنج باتمان)، باتمان (ده پوت)، سیر، چارک، گیروانه، مثقال گزارش شده است.^{۳۴}

۲۷. همان، ص ۶۴
۳۰. پاشینو، ص ۲۲۳ و ۲۲۴.
۳۳. همان، ص ۲۲۳.

۲۶. همان، ص ۹۸.
۲۹. همان، ص ۱۱.
۳۲. همان، ص ۲۲۴.

۲۵. هدایت، ص ۹۷.
۲۸. همان، ص ۴۵.
۳۱. همان، ص ۲۲۴.
۳۴. همان، ص ۲۶۴.

میزان دقیق ارزش انواع پول‌های رایج، مانند تیلیا (همان طلا) (معادل بیست تنکا نقره)، تنکا (معادل شصت و چهار چوخا)، چوخا (معادل سی و سه دینار) نیز گزارش شده است.^{۳۵} همچنین گزارش‌های دقیقی از قیمت اجناس مختلف مانند «عید قربان قیمت گوسفند به هشت مانوت (منات) می‌رسد»^{۳۶}، «نرخ پوست قبل دباغی ۳۰ - ۵۰ کوپک»^{۳۷}، «یک جفت شاخ جیران (آهو) ده مانوت»^{۳۸} دارد. او در گزارش‌هایش ساعت را به دقت در نظر دارد: «آن روز را چهار ساعت از ظهر گذشته حرکت کردیم.»^{۳۹} او از تاریخ‌های دقیق به نحو کاربردی در گزارش خود استفاده کرده است: «اول ماه اوت شدت عمل نساجی است پنبه عمل می‌آید و ابریشم از پنبه به رشته مبدل شود.»^{۴۰} همچنین او عددهای دقیقی را نیز گزارش کرده: «عدد بیوت چمکنند (چیمکنت یا شیمکنت) ۷۵۶ است به طور متوسط هر خانه را پنج نفر گرفته‌اند»^{۴۱} «تعداد لشکر روسی در تاشکند ۵۰۰ نفر ... مرخص ۱۷۰ نفر ... کارگر در کارخانه ۱۰۰ نفر ... خدمتکار ۵۰ نفر»^{۴۲} «در تاشکند ساکنین شصت و چهار هزار ... سیصد مسجد ... هر مسجد دبستان و معلم ... پانزده مدرسه بزرگ ... مخارج از وقف»^{۴۳} «از هر تخمی از جو و گندم پنجاه و پنج تخم بردارند ... گندم بخارایی صد تخم ... هر برنج دویست عدد»^{۴۴} و یا «جمعیت ترکستان پنج هزار نفر بیشتر نیست»^{۴۵} به این ترتیب گزارش‌های او دقیق و قابل استناد است.

«کستنکو»: در گزارش این فرستاده، نیز، جزئیات دقیق بسیار مهمی از موارد گوناگون به چشم می‌خورد. مانند گزارش «قیمت گندم در نواحی مختلف»^{۴۶} «حداقل درجه حرارت در زمستان و حداکثر درجه حرارت در تابستان»^{۴۷} «درجه حرارت در آفتاب و درجه حرارت در سایه»^{۴۸} «سرعت جریان آب رودخانه‌ها در هر ساعت»^{۴۹} «ارتفاع شهرها از سطح دریا»^{۵۰} «ارتفاع کوه‌ها از سطح دریا»^{۵۱} «جمعیت شهرها»^{۵۲} و یا «مساحت مناطق مختلف جغرافیایی»^{۵۳} او به طور دقیق تعداد خانوارهای قلعه‌های ساخته شده توسط روس‌ها برای قرقیزها را با اعداد ۲۵، ۲۱، ۱۳، ۴، ۱۵ گزارش کرده است.^{۵۴} او همچنین در گزارش دقیق خود وسعت را از روی میل مکعب، و عده ساکنین شهرهای مختلف توران (فرارود)، و این که در هر میل چند نفر ساکن هستند را آورده است.^{۵۵} او

۳۵. پاشینو، ص ۲۶۵.	۳۶. همان، ص ۲۳۴.	۳۷. همان، ص ۲۳۴.
۳۸. همان، ص ۲۳۹.	۳۹. همان، ص ۱۷۵.	۴۰. همان، ص ۲۸۶.
۴۱. همان، ص ۱۵۳.	۴۲. همان، ص ۲۰۳.	۴۳. همان، ص ۲۷۱.
۴۴. همان، ص ۲۲۷.	۴۵. همان، ص ۱۳۵.	۴۶. کستنکو، ص ۱۸۹.
۴۷. همان، ص ۱۴۹ و ۴۱.	۴۸. همان، ص ۴۱.	۴۹. همان، ص ۵۴.
۵۰. همان، ص ۴۷.	۵۱. همان، ص ۴۴.	۵۲. همان، ص ۴۹.
۵۳. همان، ص ۴۰ و ۵۰.	۵۴. همان، ص ۱۶۰.	۵۵. همان، ص ۱۱۸.

در ارائه آمار جمعیتی قبایل مختلف، جمعیت قراقرقیزها را سیصد هزار نفر،^{۵۶} تراکمه را ششصد هزار نفر،^{۵۷} و جمعیت تمام طایفه قرقیز را پنج کرور نفر، که چهار کرور و دویست هزار نفر از آن‌ها رعیت دولت روس و سیصد هزار نفر آن‌ها در (فلات) اوست یورت صحراگرد هستند، گزارش کرده است.^{۵۸}

پرسش‌گری و جستجوگری

۱. گروه «ایلچیان ایرانی»: این گروه در گزارش‌های خود هیچ پرسشی را طرح نکرده‌اند. از کسی چیز زیادی نمی‌پرسند و در بسیاری موارد همه چیز را خودشان حدس می‌زنند. آن‌ها موارد پرسش برانگیز را خیلی ساده از سر می‌گذرانند و گویی مسأله‌ای برایشان واجد اهمیت نیست و پرسش را فدای تعریف و نقل‌ها می‌کند. نگرش این ایلچیان، در گزارش‌های ارائه شده، نگرش پرسش‌گرایانه نیست. از گزارش‌های این گروه چنین بر می‌آید که از ذهنیت جستجوگرانه و کاشفانه در مواجهه‌ها و صحنه‌های مأموریت خود برخوردار نیست. آن‌چه از گزارش آن‌ها بر می‌آید این است که به هدف مأموریت توجه ندارد و هر چیزی را که برای شخص خودشان جالب و قابل توجه است، گزارش کرده‌اند.

هیچ مورد پرسشی در گزارش «ایلچی بخارا» و «ایلچی خوارزم» یافت نشد. عبارت «معلوم نیست بانی این بنای خیر کدام عاقبت بخیر است.» در گزارش «ایلچی بخارا» نشان از عدم تمایل به پرسش‌گری اوست. همچنین «ایلچی بخارا» در یکی از مهم‌ترین صحنه‌های مأموریتش فقط «طپانچه انگریزی، ساعت، اسباب‌چای و قهوه طلا و نقره، تفنگ‌ها،»^{۵۹} و «دوربین»^{۶۰} را گزارش کرده است. «ایلچی خوارزم» نیز در مواجهه با یک اثر تاریخی و باستانی به حدس و گمان روی می‌آورد و از تحقیق و تفحص دریغ ورزیده است.^{۶۱} او در بازدید از ویرانه شهر تاریخی مشهد مصریان (در غرب ترکمنستان) فقط «کاشی‌های باصفا و آثار خطی کوفی»^{۶۲} را گزارش کرده و به جزئیات بیشتری نپرداخته است.

۲. گروه «سفیران روسی»: پرسش‌گری در گزارش‌های این گروه به دو شکل قابل مشاهده است. «پاشینو» بیشتر سفر را در کالسکه نمی‌نشیند در بالا کنار کالسکه‌چی می‌نشیند تا هرچه می‌بیند

۵۶. کستکو، ص ۸۵

۵۷. همان، ص ۸۷

۵۸. همان، ص ۶۹

۵۹. سفرنامه بخارا، ص ۴۰.

۶۰. همان، ص ۵۷.

۶۱. هدایت، «در حوالی این منار پاره آجر پخته بسیار بود و دلالت می‌کرد که سابقا جایی آباد بوده.» ص ۴۸.

۶۲. همان، ص ۱۳۳.

بپرسد. هزار چرا در سفرنامه‌اش هست. از اقوام و حکام از روس و قرقیز از اسیر و آزاد از زن و مرد از بچه و پیر از سرباز و سرتیپ از خارجی و کشمیری از هندی و ایرانی از وحشی و متمدن از همه و همه می‌پرسد. او از پرسش‌گری خود مشعوف است و از مشقت راه نهایت استفاده را کرده است. چنانچه در گزارش خود آورده است: «کالسکه در گل نشست بر اسبهای عریان سوار گشته خود را به مشقت تام از آنجا بیرون کشیم و به منزلی رسیم و در آنجا زیست نماییم تا کالسکه از گل بدر آید. باری من از اینگونه اتفاقات مشعوف بودم. چونکه وقت را غنیمت شمردم با قرقیزها به صحبت مشغول بودم و از گفتگوی با ایشان در ضمن تحصیل مقاصد خود می‌نمودم.»^{۶۳} او برای پرسش‌های خود برای محلیان بساط سماور و چای فراهم می‌کرده تا پرسش‌های خود را از آن‌ها بپرسد.^{۶۴} مطالب مهم به دست آمده از مصاحبه‌های خود را در مطبوعات روسیه به چاپ می‌رسانیده است.^{۶۵} شیوه او در پرسش‌گری همواره با موفقیت همراه نبوده،^{۶۶} ولی اشتیاق او به پرسش‌گری همچنان ادامه یافته است. نمونه‌های پرسش‌های او از حال افراد. مانند «اسیری از ایران آوردند من از او پرسیدم ... گفت من از ایلیات ایرانم که به جنگ ترکمان آمدم و حال خدمت یکی از بزرگان شهر پنجیکند بوده‌ام ... قزاقان اسب مرا کشتند.»^{۶۷} و درباره اوضاع کسب و کار مانند «سوال کردم که سبب چیست که این بازار و قهوه‌خانه‌ها بدین قسم خلوت است؟ گفتند چونکه در این صفحات جنگ در میان است لهذا تجارت رونقی ندارد و بدین جهت مشتری و بایع کم است و قهوه‌خانه‌ها خلوت است»^{۶۸} و یا پرسش‌های بسیار درباره این که «در ایام حکومت جمهوری مالیات چه قسم بوده؟» و «منافع کشتی در رود سیحون چقدر است؟»^{۶۹} در سراسر گزارش فراوان است. «کستنکو» در گزارش خود از پرسش‌های خود شرحی را نیاورده است ولی داده‌های دقیق بسیار زیاد در سراسر گزارش او نشان دهنده شیوه پرسش‌گری اوست.

همچنین گروه «سفیران روسی» از ذهنیت تربیت یافته عصر مدرن برخوردار بوده که مدام در حال جستجو و مکاشفه است. از خواندن کتاب‌ها و دفترها گرفته تا مصاحبه با افراد گوناگون و توجه به آثار و علایم مختلف در سراسر گزارش‌های آن‌ها مشهود است.

«پاشینو»: گزارش کرده است که شخصی به نام یراشیف که متولی یکی از مدارس بوده خواسته

۶۳ پاشینو، ص ۸۳

۶۴ همان، ص ۲۲۰.

۶۵ همان، «میل به مجالست با دو نفر اهل کشمیر ... من حکایات آن‌ها را می‌نوشتم ... در سنه ۱۸۶۷ در روزنامه نمره مجموعه

جغرافیا به چاپ رسید.» ص ۲۰۰.

۶۶ همان، «اگر چه میل زیاد داشتم که از صحبت ایشان چیزی استنباط کنم ولی این آرزو به عمل نیامد.» ص ۱۶۹.

۶۷ همان، ص ۲۱۸.

۶۸ همان، ص ۱۷۴.

۶۹ همان، ص ۱۸۵.

تا درباره تواریخ و اخبارات شهر تاشکند که او به جمع‌آوری آن مشغول بوده کمک کند و در ازای تعهد او برای جمع‌آوری کتب اسلامی و حکایات افواهی تاریخ بنای شهر تاشکند و ابنیه عمده چهارصد مانوت اجرت گیرد. این درحالی است که یک گوسفند در تاشکند ۲/۵ مانوت قیمت دارد.^{۷۰} این مطلب نشان می‌دهد که او تا چه میزانی به داده‌های تاریخی اهمیت می‌داده است. او همچنین به نوشته‌های وامبری مراجعه می‌کند^{۷۱} و حتی به سراغ افرادی که وامبری و کنولی را دیده و با آن‌ها هم نشینی داشتند می‌رود.^{۷۲} او هنگامی که به دیدن رودخانه‌ای می‌رود برای تفریح و آب بازی نمی‌رود و از این کار هدف معینی در راستای مأموریت خود دارد. چنانچه نوشته است: «طالب بودم که سمت یسار رود سیحون را سیاحت کنم ... مقصود سیاحت آثار و علامات قدیم بود.»^{۷۳} ذهنیت جستجوگرانه نه تنها او را به خواندن کتاب‌های موجود محلی^{۷۴} بلکه «خواندن دفتر شکایات مسافرین منازل راه»^{۷۵} نیز وامی دارد. او در گزارش خود چنین ابراز داشته است که: «من چون عاشقان ... منتظر بودم ... نوشتجات بخارایی‌ها را به جهت ترجمه به نزد من آورند ... که از مضامین آن اطلاعی حاصل آورم.»^{۷۶} او همواره در جستجوی کسب اطلاعات از همه افراد از ایلچی‌ها^{۷۷} تا اسیرانی^{۷۸} است که به نحوی در مسیر مأموریت او قرار می‌گیرند حتی اگر احتمال موفقیت هم بسیار کم می‌بود.^{۷۹} ذهنیت جستجوگرانه او موجب گردیده حتی مهر گمرک‌خانه روسیه در پشت یقه جبه اهدایی امیر بخارا هم از نظر او دور نماند.^{۸۰} او علاقه‌مندی خود را به هنر و معماری محلی چنان نشان داده است: «مسجد و مدرسه‌ای بسیار خوش وضع ... تمام آن مسجد را به انواع و اقسام مختلفه نقاشی نموده بودند که من این صنعت ... را از اهل تاشکند بعید می‌دانستم گمان می‌کردم که گویا از اهل چین یا ایران این صنعت را آموخته‌اند. ولی چون در تمام مملکت مرکزی آسیا مربی

۷۲. همان، ص ۲۲۱.

۷۱. همان، ص ۲۲۰.

۷۰. پاشینو، ص ۲۱۹.

۷۳. همان، ص ۶۸.

۷۴. همان، «من از او خواهش نمودم که کتب او را ملاحظه کنم. ... چند کتاب نزد من حاضر کرد که چاپ شهر قازان بودند. ... همه گفتگو از فقه و اصول و غیره بود و به هیچ وجه اشاره از تاریخ نشده بود بعد که معلوم شد تا زمانی که این مملکت بدستباری ورفگین سرتیب در تصرف روسیه نیامده بود اسمی از تاریخ و فوآندش به گوش شیخ الاسلام نرسیده بود. ... در میان این کتب ترجمه تصانیف افلاطون و ارسطو را نیز ملاحظه کردم.» ص ۱۳۷.

۷۶. همان، ص ۲۰۶.

۷۵. همان، ص ۸۸.

۷۷. همان، «برای مدت دو هفته رسولان امیر در اردوی ما به سر برده و روزها را من در نزد ایشان به سر می‌بردم و شب‌ها

را با باوکایوف مترجم.» ص ۱۹۲.

۷۸. همان، ص ۲۰۵.

۷۹. همان، «دو نفر قرقیز را نزد من آوردند ... ولی از گفتگوی با ایشان چیزی که قابل تحریر باشد بروز نکرد.» ص ۱۹۰.

۸۰. همان، ص ۲۱۰.

هر صنعت و بناء ایرانیان بوده‌اند»^{۸۱} و «عمل نقاشی برجی است غیر ملزوم جهت موجهی ندارد ... با وجود این نقاشی ترکستان به درجه بلند رسیده.»^{۸۲} همچنین جستجوی او در آوازها و اشعار و نوت موسیقی مردمان فرارود نیز چنین گزارش شده است: «سرتیپ از من سوال کرد به چه مناسبت تو در جلو ایشان می‌روی گفتم که چون از دور آواز ایشان را نمی‌شنیدم نزدیک آمدم تا به دقت اشعار ایشان را دریافت کنم ... مردم کوچه‌ها آواز حزین مبارک باد می‌گفتند»^{۸۳} و «نوت موسیقی‌شان را یادداشت کرده»^{۸۴} او گزارش‌های خود را از آثار باستانی به روش علمی تهیه می‌کند چنان چه قابلیت چاپ در نشریات روسی را داشته باشد: «شرح تپه اترار ... چاپ آن در نشریات روسی»^{۸۵} دقت او در این جستجوگری چنان است که اگر مورد نقضی پیدا کرده بلافاصله گزارش کرده است مانند: «در کتاب سرگذشت تیموری ... اسم تاریخی از این مسجد نیست!»^{۸۶} او همچنین توجه ویژه‌ای به بیماری‌ها و علل آن کرده است: «گزارش بیماری‌ها ... وبا نیست ... امراض از تداخل خوراکی‌ها است ... این برای بومیان است ... غربا ... سربازان روسیه به نوبه و حصبه مبتلا می‌شوند.»^{۸۷} او جستجوگری را در هر امری حتی امور اقتصادی و صنعتی در گزارش او می‌توان دید مانند: «دلیل عدم مرغوبیت پارچه خوب پاک نشدن پنبه است»^{۸۸} و یا «رنگ را به پارچه میزنند ... در حالی که باید به نخ بزندان تا رنگ زایل نشود.»^{۸۹}

«کستنکو»: ذهنیت جستجوگرانه او نیز در صفحات متعدد گزارش به چشم می‌خورد. نکته جالب توجه اینکه در گزارش او مکاشفات اجتماعی زیادی مورد توجه است از جمله این که: «اول وانمودی که طوایف آسیای مرکزی نزد سیاحان بی‌غرض می‌کنند بسیار خوب است ... مساوات در شئون و نهایت رضایت و قناعت و خرسندی هر کس از وضع گذران ... اما همین که از نقاط نزدیکتر نظر کرد فی الفور خلاف و نقیض آنچه در نظر او جلوه نموده مشهود او می‌گردد و می‌بیند که آن محسنات همه سراب است و آن مساوات که اهالی اروپا رشک می‌برند اصلا وجود ندارد.»^{۹۰} او توجه ویژه‌ای به گزارش وضع بهداشتی مردم و سربازان روسی دارد.^{۹۱} او با جستجوگری اطلاعاتی را از خانه‌های دولتمندان محل مأموریت خود مانند: «گچبری، نقاشی، اتاق‌های زیاد»^{۹۲} گزارش کرده است.

۸۱. همان، ص ۱۶۷.

۸۲. همان، ص ۲۵۵.

۸۳. همان، ص ۱۱۷.

۸۴. همان، ص ۱۲۹.

۸۵. همان، ص ۱۲۰.

۸۷. همان، ص ۲۲۴.

۸۶. همان، ص ۲۴۳.

۸۸. همان، ص ۲۴۲.

۹۰. کستنکو، ص ۱۱۴.

۹۱. همان، «آبله و حصبه در میان سربازان.» ص ۱۴۹.

۹۲. همان، ص ۹۱.

نگرش دنیاگرایانه و علم‌گرایانه

۱. گروه «ایلچیان ایرانی»: این گروه دارای یک نگرش سنتی با جهان بینی تقدیرگرایانه دنیای قدیم است و به هیچ روی با نگرش دنیاگرایانه جهان جدید آشنایی ندارد. هر چند «ایلچی خوارزم» ادیب و شاعر و مورخ بوده و حتی استعداد ریاست دارالفنون ناصری را داشته باز از نگرش دنیاگرایانه گروه «روسی» بی‌بهره است. عبارت «قاعده آن‌ها این است که به هر جا بروند ... از علف صحراها نیز چیزی برداشته به ولایت خود می‌برند این احوالات را از قدیم داشته‌اند»^{۹۳} که در مورد روحیه جستجوگر و کاوشگرانه انگلیسی‌ها به امیر بخارا بیان شده است نشان‌دهنده بی‌میلی او به این احوالات است.

۲. گروه «سفیران روسی»: برخلاف فرستادگان ایرانی، سفیران روس دارای نگرش دنیاگرایانه بسیار نیرومندی هستند که در سراسر گزارش‌های آن‌ها مشهود است. «پاشینو» در گزارش خود نگرش دنیاگرایانه و سنت‌گریز خود را به خوبی نشان داده است. او برای سنت‌زدایی از منطقه فرارود پیشنهاد داده است که: «باید کوشش نمود در این که اهالی این مُلک به کلی از خیالات واهی و اوضاع قدیم دست کشند به هیچ وجه به خیالات سنوآت قدیم نیفتند.»^{۹۴} همچنین نگرش دنیاگرایانه او را در هنگام خشونت اهالی ترکستان نسبت به حیوانات و یادآوری حمایت از حیوانات در دنیای جدید جایی که نوشته است: «در شهر پترسپورک (سن پترزبورگ) به خاطر آمد که در آن‌جا اشخاص معینی برقرار و گماشته‌اند به جهت معالجه و مداوای حیوانات و رفع اذیت و آزار آن‌ها که حیوانات را کم بار کنند و به هیچ وجه زجر ندهند،»^{۹۵} می‌توان مشاهده کرد. او با اعتقاد راسخ به علم جدید معتقد است که علم قادر است به همه پرسش‌ها پاسخ بدهد. از این رو درباره آثار باستانی که مردمان محلی اطلاع درستی از آن ندارند، می‌گوید: «عنقریب اطلاعی کامل از تاریخ حقیقی آن مخروبه‌ها به دست خواهد آمد.»^{۹۶} او از روش‌های علمی برای مکاتبات محرمانه و مأموریت‌های جاسوسی استفاده نموده به نحوی که در گزارش خود آورده است: «برای روس‌های در بند امیر بخارا با رمز و مرکب شیمی که باید کاغذ را گرم کنند تا خوانده شود نامه نوشتیم.»^{۹۷}

«کستنکو»: او نیز طرح‌های دنیاگرایانه زیادی را در گزارش خود آورده است که «اسباب و جهاتی که روس‌ها را بر این داشته که حرکت به طرف آسیای مرکزی نمایند،»^{۹۸} را نشان می‌دهد. از جمله

۹۳. کستنکو، ص ۳۵.

۹۴. پاشینو، ص ۲۰۸.

۹۵. همان، ص ۵۶.

۹۶. همان، ص ۷۰.

۹۷. همان، ص ۱۹۷.

۹۸. کستنکو، ص ۱۱۹.

«استخراج طلا از دهانه رود جیحون»^{۹۹} «بازگرداندن آب جیحون به خزر»^{۱۰۰} برای تسهیل حمل و نقل با کشتی از دریا به وسیله رود جیحون به سراسر منطقه فرارود، و برنامه برای «تأمین خرج و دخل این مملکت جدید» و یا «استقلال تسلط روس تا هندوکش» و «انتشار تجارت روسیه در کل اقلیم آسیا»^{۱۰۱} او با نظر علمی به منافع اقتصادی روسیه در فرارود نگریسته است و در گزارش خود از مواردی مانند «مقرون به صرفه نبودن استخراج ذغال سنگ در آسیای میانه»^{۱۰۲} «تدابیر بهتر نمودن پنبه آسیای مرکزی»^{۱۰۳} «امتحان در پرورش پنبه آمریکا در آسیای مرکزی»^{۱۰۴} و «اراضی آن‌ها مرکب از خاک رس و شوره زار است اگر موافق قاعده و به طور مصنوعی آبیاری و مشروب شود فراوان حاصل می‌دهد. ارزن تخمی هفتاد تخم و گندم تخمی پانزده تخم می‌دهد»^{۱۰۵} او حتی محاسن روش‌های سنتی را نسبت به روش‌های مدرن به روشنی مطرح کرده است مانند «شخم آسیای مرکزی بسیار بهتر از شخم روسیه کبیر است»^{۱۰۶}

لیاقت، انضباط، و تدبیر در انجام مأموریت

۱. گروه «ایلچیان ایرانی» در حین انجام مأموریت نظم و انضباط مدرن غربی را ندارد و بر اساس سنت فرهنگی ایران دوره قاجار عمل می‌نماید. انجام اموری به خواهش رعایا و پرداختن به تفریحات و زیارت قبور و تن دادن به موارد پیش بینی نشده با اعتقاد به تقدیرگرایی و انواع تعویق‌ها و تأخیرها، از ویژگی‌های این سنت فرهنگی است. جالب توجه این است که این موارد چنان در سنت فرهنگی ایرانی آن زمان عادی تلقی می‌گردد که این مأموران از آوردن آن در گزارش خود هیچ پروایی ندارند. در این گزارش‌ها سیاست‌های ایلچیان ایرانی در طول زمان انجام مأموریت خود همواره با هدف نشان دادن شکوه و شوکت دولت متبوع خود و حل مسائل سیاسی پیش رو با تکیه بر روش‌های سنتی کدخدانمشی و میانجی‌گرانه البته با استفاده از زیرکی‌های سیاسی نشان داده شده است.

«ایلچی بخارا»: از مسیر اصلی مأموریت خارج می‌شود و به دیدن اقوام و آشنایان خود می‌رود.^{۱۰۷} او

۹۹. کستنکو، ص ۱۲۳. ۱۰۰. همان، ص ۲۸۷-۲۸۸. ۱۰۱. همان، ص ۳۱۵.

۱۰۲. همان، ص ۲۱۳. ۱۰۳. همان، ص ۲۲۸. ۱۰۴. همان، ص ۱۹۴.

۱۰۵. همان، ص ۸۴. ۱۰۶. همان، ص ۱۸۸.

۱۰۷. سفرنامه بخارا، «سبب رفتن بسطام که خارج راه است آن بود که چند نفر از اقوام و عشایر که در آنجا داشتیم ... با جمعیت

استقبال نموده به تکلیف آن‌ها آنجا رفتیم.» ص ۲۲.

به امور شخصی و غیر مربوط به مأموریت خود می‌پردازد.^{۱۰۸} مدت طولانی به زیارت می‌رود^{۱۰۹} و یا به اصرار همراهان به آب بازی می‌رود و یکی از خدمه خود را با این کار از دست می‌دهد^{۱۱۰} و حتی قرار ملاقات با امیر را به بهانه تنگی وقت به فردا می‌اندازد.^{۱۱۱} او در گزارش خود برای تهیه امکانات سفر آورده: «بالاتفاق و اسباب از آن جا روانه شده، اسب و قاطر و شتری که همراه این جاکر ارادتمند بود ... شکوه و شوکت دولت علیه را در این دیدم که به نوعی فلاکت که مایه هلاکت است بدان مملکت نرفته باشم.»^{۱۱۲} او گزارش حضور خود در تختگاه امیر بخارا را چنین توصیف کرده: «این فدوی همه جا سواره رفته تا به مقامی که خود امیر و قاضی کلان و قوش بیگی پیاده می‌شوند و به جز آن‌ها احدی یارای پیاده شدن در آن مکان ندارد فرود آمده،»^{۱۱۳} همچنین تدبیری که برای مشکل اخلاقی ایلچی امیر بخارا پیش آمده را این گونه رفع و رجوع نموده است: «خلیل خواجه طفلی امرد ضایع روزگاری را برداشته می‌خواست به بخارا ببرد ... گفتم که چون تو آدمی که از ولایتی به دولت آمده سزاوار نیست ... دیدم آهن سرد کوبیدن است. عاقبت گفتم آن طفل را گرفته به دست فراش سپرده برگردانیدند.»^{۱۱۴} در گزارش او تملق‌گویی‌های اغراق‌آمیز به چشم می‌خورد، مانند: «تاکنون نه چندان به امنیت و آسایش گذران کرده‌ایم که مافوق آن به تصور گنجد.»^{۱۱۵}

«ایلچی خوارزم»: نیز با موانع انجام مأموریت تقدیرگرایانه برخورد می‌کند و هیچ تدبیری برای انجام سریعتر مأموریت خود ندارد.^{۱۱۶} او نیز خارج از وظایف مأموریت خود با رودربایستی با علما و رعایا امور دردرسازای را که در مأموریتش اختلال ایجاد می‌کند را می‌پذیرد.^{۱۱۷} از سوی دیگر او دقت قابل توجهی در شناخت افراد مهم سیاسی در حین مأموریت نشان داده است: «موسی توره

۱۰۸. سفرنامه بخارا، «خلیل خواجه ... گفت از سرکار محمدولی خان خواهش چند دانه فیروزه برای من بکن فدوی حسب‌الخواهش مشارالیه اظهار نموده.» ص ۲۴.

۱۰۹. همان، «مدت پانزده روز در تحت قبه عرش قمه جناب علی بن موسی الرضا ... بودیم.» ص ۲۵.

۱۱۰. همان، «هنگام ظهر آدم‌های خلیل خواجه آمده چند نفر از آدم‌های این غلام را برداشته به کنار رودخانه برده مشغول آب بازی شدند ... علی محمد نام از لطمه و طغیان آب غرق گردیده.» ص ۲۸.

۱۱۱. همان، «گفتند که سرکار امیر می‌فرماید که اگر الحال فلانی به دیدن ما می‌آید خوب و اگر فردا می‌آید خودمختار است چون وقت تنگ و از روز چیزی باقی نبود قرار ملاقات به فردا شد.» ص ۳۲.

۱۱۲. همان، ص ۲۶. ۱۱۳. همان، ص ۳۳. ۱۱۴. همان، ص ۲۷.

۱۱۵. همان، ص ۲۵.

۱۱۶. هدایت، «به علت تعویق خدمت و تعطیل و تطویل مدت و عدم دیدار افسرده خاطر و پژمرده عارض شدم ناچار صبوری پیشه کردم تا چه شود.» ص ۵۵.

۱۱۷. همان، «بعض علما به دیدن من آمدند و اسرابی که از اهالی استرآباد در ولایت خیوق داشتند صورت اسامی دادند و بعضی از فقرا و مساکین که در آن ساحات اقبای اسیر داشتند به الحاح با من فرستادند.» ص ۴۱.

جوانی است شجاع و بلند قامت و خوش ترکیب و خاطر مردم بدو مایل است و به خانی آن ولایت شایسته و قابل،^{۱۱۸} و یا «محمدامین خان مدت شش سال است که خان خیوق است و سی و دو سال از عمرش گذشته است.»^{۱۱۹} او همچنین در مذاکره با امیر خیوه نهایت درایت و سیاست سنتی خود را این گونه گزارش کرده است: «هالی ایران به همه دولت‌های خارجه از روم و روس و هند و فرنگ روند و به عزت زیند و به عافیت بازآیند الا حدود بلاد شما،»^{۱۲۰} و

فرمایش دولت علیه ایران آن است که جمعی از اهالی ایران اسیر شده در آنجا هستند که بیع و شرای آن‌ها را حلال می‌دانند. بیع و شرای آن‌ها را به علت اسلام جایز و مباح ندانید ... جواب ... علمای ما سلف از قدیم و الایام چنین فتوا داده و عوام‌الناس معمول داشته‌اند. باید علماء ایران و ترکستان با هم نشسته اظهار حق و تحقیق مسأله نمایند تا این فقره مرتفع شود ... بنده اگر چه عامی و نوکر هستم اگر سرکار امیر علماء بخارا را احضار فرمایند از عهده جواب آن‌ها بر خواهیم آمد ... سرکار امیر فرمودند فلانی اولاً این‌جا ترکستان است ... ثانیاً با علماء مکالمه کردن و حرف زدن اشکال دارد ... به مرور ... پس از آن که اتحاد فی ما بین ما و دولت علیه ایران مستحکم شد و آمیزش و عبور و مرور روی به تزاید نهاد این امر صورت خواهد گرفت.^{۱۲۱}

هنگامی که نتیجه نمی‌گیرد چنان تدبیر می‌کند که: «گفتم سندی بدهید که آن‌ها رعیت شما نیستند و این اعمال ناشایست را به خود سری نمایند ما می‌دانیم و این طوائف،»^{۱۲۲} و باز می‌گوید: «گفتم زر بدهید و اسیر بگیرید و به حضور حضرت شهریاری بفرستید ... پادشاه جم جاه ایران ده هزار و بیست هزار و سی هزار نفر به حمایت شما مأمور می‌فرماید.»^{۱۲۳} او برای توجیه لشکرکشی حاکم خراسان به سرخس، می‌گوید: «گفتم آمدن سپاه نصرت همراه استرآباد به جهت انتظام امر آن سرحد و رفع غایله ترکمانیه است، دخیلی به ولایت و ایلات شما ندارد،»^{۱۲۴} و «همانا چنان دانسته‌اند که سرخسی مانند مروی خدمت به شما نمی‌کنند ... هرگاه می‌دانستند رعیت شماست بر سر آن‌ها نمی‌آمدند!»^{۱۲۵} و برای بهبودی خصومت ایجاد شده می‌افزاید: «اگر از حضرت شاهنشاه استدعا نمایم ممکن است مرو را مسخر کرده به شما واگذارند چنان‌چه از نواب حسام‌السلطنه خواهش کردید از سر سرخس درگذشت.»^{۱۲۶} هنگامی که از پاسخ خان خیوه در مورد مسائل دینی

۱۱۸. همان، «بعض علما به دیدن من آمدند و اسرای که از اهالی استرآباد در ولایت خیوق داشتند صورت اسامی دادند و بعضی از فقرا و مساکین که در آن ساحات اقبای اسیر داشتند به الحاح با من فرستادند.»، ص ۱۲۹.

۱۱۹. همان، ص ۱۲۸. ۱۲۰. همان، ص ۷۸. ۱۲۱. همان، ص ۳۸. ۱۲۲. همان، ص ۸۴. ۱۲۳. همان، ص ۸۵. ۱۲۴. همان، ص ۷۷. ۱۲۵. همان، ص ۷۷. ۱۲۶. همان، ص ۸۵.

باز می ماند می گوید: «گفتم من ... سخنان دولتی گویم و جواب و سوال ملتی با علمای مذهب است و مرا از آن مباحث چندان فایده نخواهد بود.»^{۱۲۷} او هنگامی که در راه به محاصره طوایف ترکمن در می آید برای رهایی ترفندهایی را مطرح کرده است: «شب با محمدشریف بای فرستاده خان خیوه صحبت کردیم گفتم اگر تراکمه به کلی مایوس شوند به ترغیب ارباب هوس به خیوه خواهند رفت ... مرخصی قراخان مایه اطمینان طوائف آتابای خواهد شد.»^{۱۲۸} و «گفتم اگر ترکمان یموت و کولان به ولایت خیوه روی نمایند ... خان خیوه آن طائفه را کت بسته روانه خواهد کرد ... با بیگلربیگی استرآباد راه روید که به خواهش شما کسی او را از حکومت استرآباد معزول نخواهد کرد.»^{۱۲۹} از سوی دیگر او لیاقت و شجاعت و از خود گذشتگی قابل توجهی در هنگام محاصره توسط ترکمن ها در راه بازگشت از خود نشان داد ولی گزاره گویی و تملق های او را هم که در گزارش اشاره رفته نباید از نظر دور داشت: «بعد از ادای صلات ظهر و عصر به دعای دوام دولت سلطان عصر پرداختیم.»^{۱۳۰} و یا در موردی که به دلیل بارش چند روزه باران سفر او به تعویق می افتد می گوید: «همه روز دیده سحاب چون دیده من گریان بود و سینه برق چون دل من کباب و بریان ابر را با چشم سر همچشمی بود و برق را با دلم داعیه همکاری.»^{۱۳۱}

۲. گروه «سفیران روسی» بر خلاف گروه «ایلچیان ایرانی»، دارای یک نظم و انضباط عصر مدرن در حین انجام مأموریت خود می باشد. در تمام گزارش های آن ها این نظم و انضباط به اشکال گوناگون به چشم می خورد. در تمام رفتارها و گفتارهای آن ها در طول مأموریت هدف پیش چشم آن ها قرار دارد و از تمام فرصت ها برای انجام سریعتر مأموریت خود بهره برده و تحت هیچ شرایطی خلاف اهداف مأموریت خود عمل نمی نمایند. این گروه تدابیر سیاسی متفاوتی را در گزارش های خود نشان می دهد. سفیران روسی نیازی به نشان دادن عظمت و نیرومندی روسیه ندارند. همه زیرکی ها و تدبیرهای آن ها معطوف به هدف انجام مأموریتشان است و نه چیز دیگر. از این روی رویکرد مدرن دیپلماتیک و تفاوت آن با رویکرد سنتی سیاسی را به نحو مشهودی می توان در گزارش های آن ها مشاهده کرد.

«پاشینو»: به صراحت در گزارش خود آورده است که: «من مانند سایر مسافری روسیه که بدان جا رسند با هر یک طبیعت نمودمی و به خیال دریافت مقصود خود بودمی.»^{۱۳۲} او همه

۱۲۷. همان، «بعض علما به دیدن من آمدند و اسرایی که از اهالی استرآباد در ولایت خوق داشتند صورت اسامی دادند و بعضی

از فقرا و مساکین که در آن ساحات اقبای اسیر داشتند به الحاح با من فرستادند.»، ص ۷۸.

۱۳۰. همان، ص ۱۲.

۱۲۹. همان، ص ۱۴۴.

۱۲۸. همان، ص ۱۴۶.

۱۳۲. همان، ص ۷۰.

۱۳۱. همان، ص ۴۰.

اعمال خود را در طول مأموریت مانند حضور پیدا کردن سر وقت خدمت افراد مورد نظر^{۱۳۳} تکلیفی می‌داند که باید به دقت انجام دهد. او توانایی قابل توجهی در شناخت از افراد مختلف و پی بردن به هدف آن‌ها از کارهایشان دارد که در مواردی زیادی در گزارش خود نشان داده شده است. مانند «غرض از مهمانی حاکم ... از اخبارات جنگ و روزنامه های جدید اطلاع حاصل کند و چون حکام آن‌جا هر یک مدت مدیدی در آن امکانه توقف داشته اند و از هر چیزی اطلاعی کامل دارند.»^{۱۳۴} یا «ایلچی بخارا گمان می‌کرد که استخلاص و رجعت ایلچیان روسیه از بخارا دال بر صلح و مورث انقطاع جنگ است.»^{۱۳۵} یا «حاکم شخصی جهان‌دیده و با اطلاع از جمیع کلیات و جزئیات ... افسوس شخصی به این قابلیت و استعداد که لایق انجام کارهای بزرگ است چرا باید در چنین جایی بماند.»^{۱۳۶} یا «آن‌قدر از حالت آن ایلچی فهمیدم که به هیچ وجه بویی از پلتیک و رسوم ادب نبرده.»^{۱۳۷} در توصیف دقیق گروه سفیران بخارا گزارش کرده: «دو نفر خدمتکار ... یکی ایرانی ... هیچ کدام از این دو نفر از تنظیمات و رفت امیر بخارا رضایتی نداشتند و میل داشتند که اگر روسیه اجازه دهد ... اینجا بمانند.»^{۱۳۸} او با زیرکی ستودنی با ایلچیان دشمن برای جلب اعتماد آن‌ها طرح دوستی می‌ریزد: «گزارش تعجب سفیران بخارا از کشتی بخار در سیحون ... پیشنهاد بازدید آن‌ها از کشتی.»^{۱۳۹} و با کاردانی برای رفع نزاع‌های میان بزرگان وارد می‌شود: «حاکم ترکستان از طرف روسیه پاشینو را به داوری میان قاضی کلیان و شیخ الاسلام ترکستان دعوت می‌کند؟!»^{۱۴۰} هنگامی که فرارودیان به هدایای روسی همدیگر حسادت می‌ورزند، او با تدبیر وارد می‌شود تا کدورتی پیش نیاید: «اظهار دل‌تنگی می‌کرد از این که سرتیپ به کانوس بیک حاکم ترکستان جام نقره عطا کرده و به او فنجان من از جانب سرتیپ رفع گله کردم که چون سرتیپ می‌دانست ورفگین جام به شما داده لهندا فنجان از برای شما الزام بود.»^{۱۴۱} وقتی اهالی از حاکم جدید روس اظهار نگرانی می‌کنند می‌گوید: «من به جهت تسلی دل ایشان گفتم خاطر جمع باشید که سلطان سفید یعنی امپراتور روسیه سرتیپان جهان‌دیده و کاردان مانند چرنیایف بسیار دارد و از برای شما برگزیده است کسی را که با طایفه لژگی جنگ‌ها نموده و بسیار تجربه‌ها دیده و بر وفق رفاهت و میل شما رفتار خواهد کرد.»^{۱۴۲} او بهانه برای معطلی سفیران بخارا را چنین آورده: «گویم کاغذ شما را به پترسپورگ برده‌اند و

۱۳۳. پاشینو، «من بر وفق تکلیف خود می‌بایست در خدمت سرتیپ حاضر باشم.» ص ۱۹۰.

۱۳۴. همان، ص ۹۳. ۱۳۵. همان، ص ۲۰۷. ۱۳۶. همان، ص ۹۳.

۱۳۷. همان، ص ۱۹۲. ۱۳۸. همان، ص ۱۹۳. ۱۳۹. همان، ص ۱۹۵.

۱۴۰. همان، ص ۱۲۲. ۱۴۱. همان، ص ۱۳۸. ۱۴۲. همان، ص ۱۷۲.

هنوز جوابی نرسیده است»^{۱۴۳} و هنگامی که آن‌ها قانع نمی‌شوند این طور گزارش کرده است: «رسولان به من گفتند شاید شما به تلافی می‌خواهید ما را نگه دارید ... من در جواب گفتم ... این کار نه سزاوار ماست. این خطای بزرگ منحصر است به امیر بخارا که قدری بی‌التفات شده‌اند نسبت به روسیه.»^{۱۴۴}

«کستنکو»: هیچ موردی که نشانه تاخیر، اتلاف وقت و انحراف از هدف اصلی مأموریت باشد در گزارش او مشاهده نمی‌شود. وفور اطلاعات و داده‌های مفید فراوان در این گزارش نشان از اهتمام بی‌وقفه او در انجام مأموریت در سریعترین زمان است. او قابلیت زیادی در ارزیابی از امور نظامی و سیاسی و اقتصادی از خود نشان داده است مانند: «مملکت ترکستان چندان حاصلخیز است که می‌تواند از عهده آذوقه لشکر برآید ... اعتقاد حقیر این است ... ترکستان می‌تواند فی‌نفسه آذوقه پنجاه هزار لشکر را در هر سال برساند.»^{۱۴۵} تدبیرهای سیاسی و کارآمدی دیپلماتیک مدرن در گزارش او مشهود است. مواردی مانند: «اول باید راه گردش بیلاقی و قشلاقی آن‌ها به رسم صحراگردی در تابستان و از شمال به جنوب در زمستان بود امن کنند و قرقیزها بدانند که در زمستان و تابستان همیشه سرو کار با یک دولت می‌باشد.»^{۱۴۶} یا «نیکیفورف به پرووسکی نوشت خان و امرای او به کلی از گفتگو و قرار مدار پلتیک عاری و بری می‌باشند و از کلمه پلتیک و لفظ سفیر و وکیل و وزیر مختار مطلقا خبری ندارند. در کمال خوبی از ضعف خود آگاه‌اند ... واهمه‌ای که دارند از زور روس است.»^{۱۴۷} یا «راه پلتیک و دیپلوماسی به هیچ وجه ممکن نیست با اهالی آسیای مرکزی کنار آمد و برای استقرار امنیت در صحرا و حل مساله آسیای مرکزی طریقه دیگر باید اختیار نمود.»^{۱۴۸} این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد.

واقع‌نویسی و پرهیز از تخیل‌پردازی

۱. گروه «ایلچیان ایرانی» داده‌های تخمینی و اغراق آمیز که جنبه غیر واقعی یافته و همچنین تخیل‌پردازی‌های ذهنی در گزارش‌های این گروه بسیار مشهود است. «ایلچی بخارا»: جملاتی مانند «احکام سلطنت در اطراف و اکناف ولایت جاری، هر دولتی از فرط حزم و احتیاط بنای دوستی و ارتباط گذاشت،» و «میر بخارا ... چون قواعد ملک داری و مرزبانی دولت علیه را محکم دید و صیت عدالت و نشر کفایت سلطنت را از دور و نزدیک شنید طالب اتحاد

۱۴۳. پاشینو، «من بر وفق تکلیف خود می‌بایست در خدمت سرتیپ حاضر باشم»، ص ۱۹۳.

۱۴۴. همان، ص ۱۹۳.

۱۴۵. کستنکو، ص ۲۲۷.

۱۴۸. همان، ص ۱۵۹.

۱۴۷. همان، ص ۱۵۲.

و معاونت شد.^{۱۴۹} نه تنها از دیدگاه یک پژوهشگر تاریخ غیر واقعی به نظر می‌رسد، بلکه تناقض آشکاری با مضمون کلی خود گزارش دارد. همچنین عبارت «به هر مکان که رسیدیم قلعه‌جات محکمه و قنوت جاریه و آبار مستحکمه و آثار بدیعه ... امنیت و آسایش طرق و شوارع به حدی بود»^{۱۵۰} تخیل‌پردازی ذهنی سنتی است که بیشتر به آرزوی گزارشگر شباهت دارد تا امر واقع، چرا که در صفحات پیشین و پسین همین گزارش موارد نقض آن وجود دارد.

«ایلچی خوارزم»: توجه به عبارتی مانند «هر ازبکی پنجاه نفر غلام ایرانی دارد اگر ایرانیان از طرف ایران قوتی ببینند بر آن‌ها خروج نمایند اگر مقابله افتد توپچیان ایرانی توپ بر سپاه اوزبک ببندند»^{۱۵۱} نشان از غیر واقعی بودن این خبر دارد چرا که اگر میانگین هر خانواده ازبکی را پنج نفر در نظر بگیریم، طبق این گزارش جمعیت ایرانیان اسیر در خوارزم ده برابر جمعیت خوارزمیان خواهد بود! که به طور یقین این عدد بسیار اغراق آمیز است. همچنین عبارت «تمام اسرای ایرانی حربه خریده پنهان کرده‌اند که در وقت فرصت با آن‌ها منازعه و مخاصمه کرده باشند»^{۱۵۲} یکی از تعمیم‌های اغراق آمیز و نادرست، سنتی است که احتمالاً از ملاقات با چند نفر از اسیران ایران به دست آمده است. در حالی که تصویر چنان ظرفیت نهفته‌ای در میان اسیران ایرانی ساکن خوارزم در صفحات دیگر گزارش به چشم نمی‌خورد از این رو معلوم است این خبر از تخیل‌پردازی ذهنی سنتی گزارشگر است که می‌توانسته خواننده گزارش او (شاه قاجار) را به گمراهی افکند.

۲. گروه «سفیران روسی»، بر خلاف گروه «ایلچیان ایرانی»، اهتمام وافری داشته تا گزارش‌های خود را بر اساس دیده‌های خود استوار نماید و به گزارش امر واقع بپردازد و از تخیل‌پردازی اجتناب نماید.

«پاشینو»: به روشنی بیان کرده است که «کار من ... استفسار از اخبارات و وقایع گذشته بود»^{۱۵۳} هنگامی که می‌خواهد شرح توپهای بخارایی را گزارش کند می‌گوید: «من به چیناز رفتم تا توپهای غنیمت گرفته شده از بخارا را ببینم»^{۱۵۴} وقتی می‌خواهد رابطه قاضی کلیان با سرتیپ را گزارش کند آن را به گفتگوی آن دو با یکدیگر مستند نموده است.^{۱۵۵} در اعتبارسنجی اخبار سخت‌گیری داشته است. برای نمونه می‌گوید: «سخنانی که در قعر سیحون طلا است ... هیچ اعتبار ندارد ... این اغراقات رسوم اهالی آسیا است»^{۱۵۶} او از این که برخی اطلاعات را در گزارش خود دقیق ارائه نکرده با صراحت

۱۵۱. هدایت، ص ۱۳۰.

۱۵۰. همان، ص ۲۳.

۱۴۹. سفرنامه بخارا، ص ۱۹.

۱۵۴. همان، ص ۲۰۵.

۱۵۳. پاشینو، ص ۲۱۷.

۱۵۲. همان، ص ۱۳۱.

۱۵۶. همان، ص ۲۳۲.

۱۵۵. همان، ص ۱۸۸.

عصر مدرنی خود اظهار می‌کند که به دلیل عدم تخصص در آن امر اطلاعات حد متوسطی ارائه می‌نماید مانند: «در باب صنایع ... از برای طالبین آن اطلاعات بطور وسط کافی است ... بیش از این برای من ممکن نبود.»^{۱۵۷} و یا در جایی که موفق نمی‌شود اطلاعی کسب کند با شجاعت عصر مدرنی می‌گوید اطلاعی به دست نیاورده است مانند: «من ندانستم مینا را چگونه ترتیب دهند.»^{۱۵۸}

«کستنکو»: او گزارش دقیقی از بیماری‌های رایج در میان مردمان فرارود ارائه داده است که از توصیف آن‌ها کاملاً مشهود از که به چشم خود همه آن‌ها را دیده است و بر اساس واقعیت‌های مشاهده شده و نه اخبار شنیده شده گزارش کرده است. مانند

«امراض متداوله در این مملکت تب و لرز و نوبه در فصل پاییز احتمال می‌رود از رطوبت هوا و خانه‌های غیرمناسب باشد که از گل ساخته شده و بخاری ندارد ... دوم حصبه سوم سرفه چهارم آبله با وجود شیوع آبله کوبی به سبب نادانی، اطفال مبتلا می‌شوند. پنجم سل و تب ششم درد چشم هفتم سفلیس یعنی سوزنک هشتم ناخوشی پیوک(رشته) فقط در میان ساکنین دره و میان قلعه و شهر جیزاک(جیزک) متداول است. نهم زخمی است موسوم به یارا افغانی زخمی است. روی دست و پا علت آن ظاهراً کثافت آبی است که شستشو می‌کنند(احتمالاً لشمانیوز) دهم مرضی است که زیر چانه و گلو ورم سختی می‌کند و دردی ندارد(احتمالاً گواتر) و این ناخوشی در خوقند شدت دارد.»^{۱۵۹}

تحلیل‌گری در گزارش

۱. گروه «ایلچیان ایرانی»: این گروه، در پاره‌ای از موارد تحلیل‌های سیاسی خود را در گزارش‌های خود آورده‌اند. با بررسی این تحلیل‌ها ملاحظه می‌گردد که ایلچیان ایرانی دچار ساده‌انگاری سیاسی سنتی هستند که ناشی از عدم آشنایی با فرهنگ سیاسی عصر جدید است.

«ایلچی بخارا»: بدبینی درست‌امیر بخارا را نسبت به سیاست‌های استعماری دولت انگلستان که به گروگان‌گیری مأمور سیاسی انگلیسی در بخارا منجر شده است را می‌خواهد با ساده‌اندیشی سیاسی سنتی خود رفع و رجوع کرده و آزادی نامبرده را خواستار گردد و چنین آورده است که: «چون دولت علیه ایران با دولت بهیه انگریز(انگلیس) متحد و یک رنگ‌اند و برخلاف رضای دولت علیه حرکت نمی‌نمایند ... محال عقل است که من بعد صاحبان خیال فاسده نسبت به بخارا و ممالک سرکار امیر در دل بگذرانند.»^{۱۶۰}

«ایلچی خوارزم»: نیز همین ساده اندیشی سیاسی سنتی را در تحلیل خود از نحوه تامین سپاه خوارزم توسط امیر خیوه که به جای اخذ مالیات زمین‌ها را به ایلات واگذار کرده و در ازای آن وعده تامین سپاهی را از ایلات گرفته چنین آورده که: «بنابر این هم ولایت آباد باشد هم خزینه او خالی نگردد!»^{۱۶۱} و یا در بخشی از گزارش خود با عنوان «تحقیق در منازعه بخارا و خیوه»^{۱۶۲} به سادگی و بدون در نظر گرفتن روابط سیاسی قدرت‌های بزرگ حاضر در منطقه مسأله را تحلیل نموده است.

۲. گروه «سفیران روسی»: تحلیل‌های وقایع در گزارش‌های این گروه نشان‌دهنده این است که سفیران روسی از یک نگرش سیاسی مدرن براساس آگاهی کامل از محل مأموریت و روابط بین‌المللی دنیای جدید برخوردار هستند. این تحلیل‌ها راهکار مناسبی را برای تسلط نظامی و اقتدار سیاسی و بهره‌برداری اقتصادی دولت مطبوع این سفیران در اختیار قرار می‌دهد.

«پاشینو»: در تحلیلی اجتماعی از مردمان فرارود آورده است: «در بیان هر مطلبی که از ایشان ناشی می‌شد چندان کلام معترضه و امثله بسیار در میان می‌آوردند که بر مستمع بسی صعب بود استنباط مطالب ایشان و ربط آن‌ها به یکدیگر.»^{۱۶۳} و در تحلیلی علت بی‌میلی فرارودیان به تغذیه از ماهیان را چنین بیان کرده است: «احتمالاً چون در اسلام اکل برخی ماهیان حلال و برخی حرام است ... و تمیز حرام از حلال صعوبت داشته از اکل مطلق آن‌ها دست کشیدند.»^{۱۶۴} و در تحلیلی دیگر برای گسترش نفوذ و سلطه سیاسی در منطقه نوشته است: «باید مقرر شود هر کس طالب شغل امامت است باید بیست پنج ساله باشد و زبان روسی نیز فراگرفته تا با ملاحظه کتب روسیه و معاشرت با اهل روس اندک اندک از اثر معاشرت اعتقادات نیز تغییر کند.»^{۱۶۵} همچنین در تحلیل‌هایی برای بهره‌برداری اقتصادی بیشتر از منطقه آورده است: «اگر مجدداً به قرقیزها بفهمانند که منافع صید ماهی به چقدر خواهد رسید ... به این عمل اقدام خواهند کرد.»^{۱۶۶} و یا «در صورت غلبه و تسلط روسیه چندان از برای علماء آنجا حکمی باقی نخواهد ماند و اجناس روسیه در آن مملکت منتشر خواهد شد.»^{۱۶۷} و یا «اگر جمعیت روسیه در آنجا زیاد شود ... و در ساحل سیحون مسکن سازند باید از ساکنین سواحل ولگا و دنیپر باشند ... مداخلی برای دولت می‌شود.»^{۱۶۸}

«کستنکو»: تحلیل‌های کارآمدی برای سلطه نظامی و سیاسی روسیه بر اقوام صحراگرد قرقیز ارائه داده است از جمله در گزارش خود آورده است: «مادامی که قرقیزها به صحراگردی مشغول‌اند

۱۶۳. پاشینو، ص ۲۱۸.

۱۶۲. همان، ص ۶۲.

۱۶۱. هدایت، ص ۱۳۰.

۱۶۶. همان، ص ۲۳۹.

۱۶۵. همان، ص ۲۷۹.

۱۶۴. همان، ص ۲۳۹.

۱۶۸. همان، ص ۲۴۰.

۱۶۷. همان، ص ۲۶۷.

به هیچ وجه تمکین از دولت نمی‌نمایند ... تربیت صحراگردان موقوف به توقف در یک مکان است.^{۱۶۹} و «بهترین تدابیر برای ترقی و رونق عمل زراعت این است که هر صحراگردی که بنای زراعت گذاشت تخفیفی در مالیات او دهند ... چاره و تدبیر برای ترقی و رونق عمل زراعت در میان قرقیزها.»^{۱۷۰} و «لازم است یک حکومت مخصوص برای صحراهای قرقیزی مقرر و دایر نمایند و شهر تاشکند را چون نقطه مناسبی است مقرر حکومت قرار دهند.»^{۱۷۱} و «اعتقاد من این است که نظم و نگاهداری شهر را ما واگذار به خود اهالی نماییم.»^{۱۷۲} و «از حالات خوب قرقیزها این است که صفات و عادات ایشان تغییر پذیر است و به زودی تبدیل حالت به ایشان می‌توان داد و ممکن است به مرتبه عالی از مراتب سیویلیزاسیون برسند. تعصب مذهبی ندارند ... عداوت و خصومت صدساله میان طوایف از میان رفته و این از نتایج قدرت و استیلای روس است.»^{۱۷۳} او در گزارش خود تحلیل قابل توجهی برای تامین سوخت کشتی‌های روسی به این صورت ارائه داده است: «در این صفحات ذغال سنگ یافت نمی‌شود ... ناچار در حرکت کشتی‌ها سوخت از جنگل‌های ساکساول برچیده‌اند و این جنگل طولی نمی‌کشد که تمام می‌شود و در صورت تصرف بالا دست‌های سیحون ممکن است تحصیل هیزم و سوخت از برای کشتی‌ها کرد.»^{۱۷۴} همچنین در تحلیل‌های مهمی «دلیل ساختن هریک از قلعه‌های روس‌ها،»^{۱۷۵} و «دلایل نیاز روسیه به تصرف شهر تاشکند،»^{۱۷۶} را بیان کرده و برای امر اخیر روش کار را این‌طور بیان داشته است: «به اعتقاد من مصلحت این است که دولت روس بعد از سنه ۱۲۸۰ هجری اقدام به گرفتن تاشکند نماید ... عقاید خود را مفصلاً نگاهشتم تا دولت به سر صبر همه نکات و سبک حرکات خود را ملاحظه و تدبیر نماید و موافق قاعده تکالیف عساکر اورینبورگ (شهر و استان اورنبورگ در جنوب سیبری) و سیبری غربی را که باید متفقا حرکت کنند مشخص نماید.»^{۱۷۷} در صفحات پایانی گزارش تحلیل‌های مفصلی درباره «حالت مشکل حالیه دولت روس در آسیای مرکزی،»^{۱۷۸} و «اسباب و عللی که مانع ترقی و شیوع تجارت داخله ممالک آسیای مرکزی است،»^{۱۷۹} ارائه داده است.

توجه به امر نظرسنجی عمومی

۱. گروه «ایلچیان ایرانی» در گزارش‌های خود به مفهوم سنتی در موارد خاصی به صورت بسیار

۱۷۱. همان، ص ۱۷۱.

۱۷۰. همان، ص ۱۸۲.

۱۶۹. کستنکو، ص ۱۸۱.

۱۷۴. همان، ص ۱۶۹.

۱۷۳. همان، ص ۷۹.

۱۷۲. همان، ص ۱۷۳.

۱۷۷. همان، ص ۱۷۱.

۱۷۶. همان، ص ۱۶۹.

۱۷۵. همان، ص ۱۶۳.

۱۷۹. همان، ص ۲۵۰.

۱۷۸. همان، ص ۲۹۰-۲۹۱.

کلی به نظر مردم توجه داشته است. البته این مفهوم با امر نظرسنجی در عصر مدرن بسیار متفاوت است. «ایلچی بخارا»: بر این اساس نظر اهالی دو منطقه را این گونه گزارش کرده است: «اهل آنجا شکایتی از عالیجاه میرآخور داشتند» و «اهالی آنجا کالا از سرکار ایلخانی راضی بودند». ^{۱۸۰} «ایلچی خوارزم»: نیز در هنگام پیشنهاد خود به شاه قاجار برای تصرف خوارزم از مسیر مرو نظر خواص جامعه را مورد این‌طور مورد توجه قرار داده است: «عقلا گویند مرو کلید خوارزم است و هرات کلید خراسان». ^{۱۸۱}

۲. گروه «سفیران روسی» به امر نظرسنجی عمومی از گروه‌های اجتماعی مختلف توجه خاصی داشته است. «پاشینو»: در مورد نظر کودکان و زنان فرارودی درباره اتباع روسیه چنین آورده: «در پشت درب بعضی خانه‌ها زنان و اطفال ما را نگاه می‌کردند و آهسته فحش می‌گفتند و گاهی در وسط کوچه‌ها زنه‌های چند می‌دیدم که روی‌های خود را از ما برمی‌گردانیدند و ناسزا می‌گفتند». ^{۱۸۲} و «طایفه سارت چندان تنفر از متابعت روسیه ندارند ولی بسیاری میل به امیر بخارا دارند و خدایارخان خوقندی». ^{۱۸۳} او در مورد نظر مردم تاشکند نسبت به امیر بخارا و همچنین امکان پیرویش در جنگ با روس‌ها چنین گزارش کرده است: «بسی خرسندم ... که دیگر امیر بخارا را در تاشکند کس به لقب سلطانی خطاب نکند». ^{۱۸۴} و «اهل تاشکند معتقد بودند امیر بخارا پیروز می‌شود.» و «کشمیری‌ها اعتقاد داشتند فتح با روسیه است». ^{۱۸۵} یا نظر ساکنان قلعه‌ای درباره امنیت آن قلعه این‌طور گزارش کرده است: «من از ایشان سوال کردم که ممکن است در این قلعه شورشی داخلی و یا حمله خارجی شود؟» ^{۱۸۶} او حتی نظرسنجی‌های خود را در مواردی باز مورد ارزیابی مجدد قرار می‌دهد و در جایی آورده است که: «خواستم که مقالات اهل شهر اورنبورک را با عقاید و استحضار او از صدمات سفر ترکستان بسنجم». ^{۱۸۷} «کستنکو»: به صورت مستقیم گزارشی از نظرسنجی ارائه نموده ولی از تحلیل‌های متنوعی که در بخش‌های مختلف گزارش خود ارائه داده است می‌توان استنباط کرد که به این امر توجه داشته و از نتایج آن در گزارش خود استفاده نموده است.

استفاده از طرح‌ها و نقشه‌ها

۱. گروه «ایلچیان ایرانی»: در گزارش‌های این فرستادگان، نشانی از روش‌های علمی استفاده از

۱۸۲. پاشینو، ص ۱۶۸.

۱۸۵. همان، ص ۲۰۱.

۱۸۱. هدایت، ص ۱۲۷.

۱۸۴. همان، ص ۲۱۱.

۱۸۷. همان، ص ۳۶.

۱۸۰. سفرنامه بخارا، ص ۲۰.

۱۸۳. همان، ص ۲۹۲.

۱۸۶. همان، ص ۱۶۰.

طرح‌های افراد پیشین و یا نقشه‌های تهیه شده کارآمد برای تسهیل انجام مأموریت وجود ندارد. نکته جالب این است که «ایلچی بخارا» استفاده از علم مهندسی نقشه‌برداری توسط مأموران سیاسی انگلیس در فرارود را در گزارش خود چنین آورده است: «در باب مهندسی ولایت قاعده آن‌ها این است که به هر جا بروند نقشه ولایات و حدود آنجا را معین نمایند... این احوالات را از قدیم داشته‌اند.»^{۱۸۸} این جملات نشان می‌دهد ایلچی ایرانی کاملاً با این احوالات بیگانه بوده است.

۲. گروه «سفیران روسی»: در گزارش اینان استفاده از طرح‌ها و نقشه‌ها برای تهیه گزارش‌های مستند دیپلماتیک، جزء ضروریات مأموریت تلقی شده است. «پاشینو»: در گزارش خود از گروه طراح و نقشه‌کش همراه خود برای انجام مأموریت چنین یاد کرده است: «ایشان چهار نفر نقاش و مصور بسیار خوب بوده‌اند مسمی به ولژیف که خود او همسفر من بوده کریوکوف و کینه و استرووه که تصویرات این کتاب و نقشه‌های جغرافی که در ملک ترکستان رسم شده.»^{۱۸۹} «کستنکو» نیز هدف مأموریت را چنین ذکر کرده است: «اصل مقصود و فواید دولت روس از این آمد و شد به خیهه اولای این بود که دولت روس اخبار و اطلاعات کامله از وضع جغرافی آسیای مرکزی حاصل نموده و نقشه‌های صحیح از اراضی طی شده برداشته شرح کاملی از وضع و حالت ممالک خیهه نوشتند.»^{۱۹۰} او در مأموریت خود از گزارش‌های مأموران پیشین مانند فلوریو بنیونی منشی اداره شرقی وزارت خارجه استفاده کرده و آورده است: «به عقیده بنیونی تصرف ممالک آسیای مرکزی اشکال و مانعی ندارد. زیرا، که تمام ملل و طوایف توران با هم در این وقت مشغول جنگ و جدال بودند.»^{۱۹۱} درباره طرح‌ها و نقشه‌های مأمور پیشین چنین اظهار نظر کرده است که: «اگر چه فواید پلیتیکی و تجارتی به هیچ وجه از ممالک آسیای مرکزی برای دولت روس تحصیل نکرد ولی معادن آن ممالک را در کمال دقت و تحقیق رسیدگی نمود.»^{۱۹۲} او به دنبال طرحی جامع برای توسعه متصرفات روسیه در فرارود در گزارش خود چنین آورده است: «بحث درباره این که از کدام راه از سیبری یا از خزر یا از استپ‌های قرقیزها باید آسیای مرکزی را تصرف کرد.»^{۱۹۳} و یا در جایی دیگر از «تدابیر دولت روس برای متصرف بودن و حفظ صحراهای قرقیزی،»^{۱۹۴} سخن گفته است.

تمرکز بر رخدادهای واجد اهمیت سیاسی

۱. گروه «ایلچیان ایرانی» در گزارش‌های سفر مأموریت شان به همه موارد جالب توجه از نظر

۱۸۸. سفرنامه بخارا، ص ۳۵.

۱۸۹. پاشینو، ص ۲۷.

۱۹۰. همان، ص ۱۳۳.

۱۹۱. همان، ص ۱۳۳.

۱۹۲. همان، ص ۱۳۰.

۱۹۳. همان، ص ۱۳۶.

۱۹۴. همان، ص ۱۳۶.

خود، که البته نشان‌دهنده فرهنگ سنتی جامعه متعلق به آن نیز می‌باشد، اشاره کرده‌اند. این موضوع نشانگر آن است که تمرکز لازم را برای توجه به رخداد‌های با اهمیت سیاسی نداشته‌اند. این گروه رویدادها را به صورت خبر در گزارش خود ثبت و ضبط نموده‌اند. این اخبار طبقه‌بندی نشده و ترکیبی از اخبار بی اهمیت و واجد اهمیت سیاسی است.

«ایلچی بخارا» یک صحنه ماجراجویانه را که شاهد بوده در گزارش خود چنین آورده است: «بیری از بن درختی جستن کرده ... با شخص ترکمان در آمیخته ... مرد هم کاردی تیز همراه داشت به زبردستی تمام به دو ضرب کارد دو پهلوی ببر را شکافته او را هلاک نموده ... آن مرد ... پوست او را کنده شنیده که این فدوی در آن جا هستم سر را آورده ... پنج تومان و یک قبا به او داده شد.»^{۱۹۵} به نظر می‌رسد این داستان برای شاه قاجار هم جذاب بوده باشد که ایلچی آن را در گزارش خود آورده است. او از مسایل واجد اهمیت سیاسی چندی را نیز گزارش کرده است. مانند «یک روز گفت دانستی ایلچی یارمحمد خان حاکم هرات چرا آمده؟ عرض کردم ندانستم لیکن از قرار مشهور می‌گفتند که یارمحمد خان به سرکار امیر نوشته است که یوسف ولف را بکشند. فرمودند بلی برای همین فقره آمده بود.»^{۱۹۶} و یا «همه روزه وزیر به جهت این فدوی پیغام می‌داد که خجند و تاشکند فتح شدند و فدوی خبر را بهتر از آن‌ها داشت زیرا تاجری با فدوی آشنا بوده همه روزه اخبار را به من می‌رسانید.»^{۱۹۷} همان‌طور که در این گزارش‌ها دیده می‌شود، او اطلاعات را از قرار مشهور گرفته است و نه حضور مشهود و اخبار را از تاجر آشنا نقل کرده و تحلیلی از وقایع پیرامونی خود ارائه نداده است.

«ایلچی خوارزم» نسبت به «ایلچی بخارا»، تمرکز سیاسی بیشتری را در گزارش خود نشان داده است. هر چند داستان زیارت امامزاده را در حین مأموریت چنین آورده: «متولی امامزاده را خواسته انعامی به او داده شمععی بر مرقد سید مذکور افروختیم و ثوابی اندوختیم!»^{۱۹۸} یا خارج از حیطه وظایف خود، حکایت سفارش شخصی را این گونه ذکر کرده: «بر آن بودم که بعد از ورود خان خیوق از او توسط وافی کنم ... درین باب تامل و تحمل ورزیدم تا پس از ورود خان خوارزم چه اقتضا کند.»^{۱۹۹} ولی گزارش‌های زیادی درباره اوضاع سیاسی منطقه مأموریت خود ارائه داده است که ارزشمند است. در باب فعالیت‌های روس‌ها در منطقه آورده است: «روسیه بر بعضی بلاد خوقند دست یافته اند تا از این پس چه شود؟»^{۲۰۰} و یا «روسیه از بحر روس بیرون آمده‌اند و از راه خشکی

۱۹۷. همان، ص ۴۵.

۱۹۶. همان، ص ۴۸.

۱۹۵. سفرنامه بخارا، ص ۲۹.

۲۰۰. همان، ص ۱۲۱.

۱۹۹. همان، ص ۶۲.

۱۹۸. هدایت، ص ۱۵.

چوب و تخته با خود آورده بر لب بحیره خوارزم کشتی ساخته‌اند و در دریای خوارزم انداخته‌اند.»^{۲۰۱} در باب حوادث مرو آورده است: «مرو سابقا در تصرف گماشتگان خوانین خوارزم بود چنان که بدان اشارتی شد با خان خیوق خطا کردند و با امیر بخارا اظهار دوستی ولیکن خراج به هیچ کس ندهند به خود سری لاف سروری ززند.»^{۲۰۲} و «مرو از توابع بخارا شده و از رعیتی خان خیوق بیرون آمده هر ساله بر سر آن نزاع می‌رود.»^{۲۰۳} و در باب سرخس نوشته است: «سرخس گاهی متابعت خان خیوق گزینند و گاهی صلاح خود را در اطاعت حکام خراسان ببینند.»^{۲۰۴} و در باب خوقند: «خان خوقند خدایارخان به واسطه استیلای وزیر قفجاقی (قبجاقی) اش از خانی جز نامی ندارد.»^{۲۰۵} و یا «در میانه خدایارخان و خان خیوق دوستی است و با امیر بخارا دشمنی دارد.»^{۲۰۶} و «فرستاده خان فرغانه و خوقند خدایارخان به سفارت خیوق آمد او نیز ناچار توقف نمود.»^{۲۰۷} و در باب اسیران ایرانی: «زنان شیعه را سرمه کشیده گیسوان بافته گشاده روی به بازار آرند و مکشوف‌العوره به مشتری نمایند.»^{۲۰۸} و در باب خان خیوه و جاسوسان او: «خان خیوق به همه طوائف پیغام و نامه کرد که قزلباش کافر بر سر مسلمانان آمده دفاع بلکه جهاد واجب است.»^{۲۰۹} و یا «ملا مختار نام هراتی که از جانب خان مهتر و مهماندار و چاکری من بنده همی نمود در معنی و خفا نگهبان و اخبار نویس آن سرکار بود.»^{۲۱۰} و یا «جعفر آقا کلاتی که ظاهرا خود را خدمتگذار دولت ابد مدت ایران خواند و باطن خود را وابسته خان خیوقی داند حیلتي اندیشید.»^{۲۱۱} همچنین او خود را فردی مطلع از وقایع پیرامون حوزه مأموریت خود ارزیابی می‌نماید و می‌گوید: «یک جهت این امر که مرا از راه طژن (تجن) و دره‌گز به خراسان ممنوع کردند این بود که مستحضر نشده باشم و نمی‌دانستند که من خود از همه جا مستحضرم.»^{۲۱۲} ولی اغلب این گزارش‌ها به شیوه سنتی اخبار ارزشمندی محسوب می‌گردند ولی در عرصه دیپلماتیک مدرن به دلیل این که بدون تدقیق و تحلیل هستند به عنوان اخبار و شایعات و نه رخدادهای واقعی واجد ارزش دیپلماتیک ارزیابی می‌شوند.

۲. گروه «سفیران روسی»، گزارش‌های این گروه نشان می‌دهد که سفیران روسی دارای یک تمرکز دیپلماتیک معطوف به رخدادهای واجد اهمیت سیاسی هستند.

«پاشینو»: او که از تمرکز دیپلماتیک بالایی برخوردار است، در جایی می‌گوید: «از گفتگوی

- | | | |
|----------------------------|-------------------|-------------------|
| ۲۰۱. سفرنامه بخارا، ص ۱۱۴. | ۲۰۲. همان، ص ۱۲۴. | ۲۰۳. همان، ص ۱۱۹. |
| ۲۰۴. همان، ص ۱۲۴. | ۲۰۵. همان، ص ۱۲۱. | ۲۰۶. همان، ص ۱۲۱. |
| ۲۰۷. همان، ص ۵۹. | ۲۰۸. همان، ص ۹۹. | ۲۰۹. همان، ص ۶۶. |
| ۲۱۰. همان، ص ۶۵. | ۲۱۱. همان، ص ۶۵. | ۲۱۲. همان، ص ۸۷. |

سرتیپ و پیک امیر بخارا ... چیزی در خاطر من نماند!»^{۲۱۳} زیرا، این گفتگو فاقد اهمیت سیاسی بوده است. او فقط یک جمله مهم که «مطالب خود را به من بگویید به امیر بخارا بگویم» را در خاطر نگاهداشته است. او همچنین دقت زیادی در ترجمه نامه‌های بخارا که اسرای ایرانی مترجم آن بوده‌اند، کرده است و می‌گوید: «ترجمه با متن مناسبت ندارد!»^{۲۱۴} چنین دقتی در گزارش‌های ایلچیان ایرانی به هیچ وجه مشاهده نمی‌گردد. او از همه رخداد‌های محل مأموریتش اطلاع دارد و آن‌ها را از دیده‌گذرانده است. مانند: «جوانی از اسرای ایران ... از اردوی بخارایی‌ها فرار کرده به اردوی ما داخل شد.»^{۲۱۵} یا «در این اوقات روز به روز عدد جاسوسان اردو زیاد می‌گشت.»^{۲۱۶}

«کستنکو»: داده‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، بازرگانی او در گزارش نشان از تمرکز دیپلماتیک فوق‌العاده او دارد. او به دقت تمام اقدامات انگلیس در فرستادن مأموران به آسیای مرکزی برای زیر نظر گرفتن اقدامات روس‌ها را مشاهده و گزارش کرده است.^{۲۱۷}

توجه به داده‌های جغرافیایی

۱. گروه «ایلچیان ایرانی»، داده‌های جغرافیایی که در گزارش‌های خود ارائه می‌نماید، بر اساس سنت جغرافیایی ایرانی و اسلامی جغرافیدانان مسلمان است که بر مبنای جهان‌بینی بطلمیوسی استوار بوده است و همه داده‌های آن تقریبی و تخمینی و اغلب بسیار نادرست است که با روایت‌های افسانه‌ای و اسطوره‌ای آمیخته شده است و در زمان و زمانه این گزارش‌ها هیچ کاربردی بر آن متصور نیست.

«ایلچی بخارا»: در جایی آورده است که: «آب زرافشان از کوه تاشکند می‌آید که پایتخت افراسیاب است.»^{۲۱۸} در صفحات دیگری از گزارش برخلاف آن چنین آورده است که: «رود زرافشان از همان دامنه کوه از رود آمویه سوا می‌شود، می‌آید به بالای تاشکند ... و داخل شهرهای خوقند است.»^{۲۱۹} چندین غلط جغرافیایی در این عبارت‌ها نهفته است رودخانه زرافشان با شهر تاشکند و رود بزرگ آمو و شهر خوقند هیچ قرابت و نسبت جغرافیایی ندارد.

«ایلچی خوارزم»: نیز داده‌های جغرافیایی گزاف و تخیلی زیادی ارائه داده است مانند «گویند بحیره

۲۱۳. پاشینو، ص ۱۹۲	۲۱۴. همان، ص ۲۱۱	۲۱۵. همان، ص ۱۸۶
۲۱۶. همان، ص ۱۹۰	۲۱۷. کستنکو، ص ۱۴۷	۲۱۸. سفرنامه بخارا، ص ۳۱
۲۱۹. همان، ص ۷۲		

[دریاچه] خوارزم به دریای خزر راهی دارد.^{۲۲۰} و یا «سمرقند را رستم دستان بنا نهاده‌است.»^{۲۲۱} و یا «فرغانه را انوشیروان آباد کرد.»^{۲۲۲} و یا «ذکر ملک خوارزم از زمان کیخسرو،»^{۲۲۳} و یا «ذکر کوه مشهور به کوه قاف و معروف به البرز ... ابتدای آن جبل قمر است در سودان.»^{۲۲۴} و یا «عباس آباد گویند دیو سفید راهدار مرزبان مازندران را مقام بوده است.»^{۲۲۵} و همچنین داده‌هایی بر اساس سنت جغرافیای قدیم مانند «فرغانه ولایتی است از اقلیم پنجم»^{۲۲۶} و یا «جیحون از حدود بدخشان خیزد.»^{۲۲۷} این داده‌ها فاقد هر گونه ارزش سیاسی و نظامی هستند.

۲. گروه «سفیران روسی»: داده‌های جغرافیایی این گزارش‌ها بر مبنای علم جدید و با روش‌ها و ابزارهای نوین و بر پایه جهان بینی جدید است. این داده‌ها به دلیل کارآمدی یکی از بخش‌های ارزشمند گزارش به حساب می‌آید.

«پاشینو»: گزارش او سرشار از داده‌های جغرافیایی مفید است. از داده‌هایی مربوط به بخش‌بندی‌های سیاسی نواحی مانند «به قول یوژاکوف مورخ، این بلاد نیز جزء چمکنند بوده‌اند.»^{۲۲۸} و یا درباره نام‌های تاریخی شهرها می‌گوید: «تاشکند در قدیم معروف به چاچ بوده.»^{۲۲۹} و یا «تعداد حمام‌ها، مسجدها، قنات‌ها و مدرسه‌ها و از این قبیل.»^{۲۳۰} او حتی به تحلیل تئوری‌های جغرافیایی نیز توجه داشته است. مانند «اگر چه خلق را اعتقاد این است که بانیان بلاد اراضی حاصلخیز و خوش آب و هوا را منتخب ساخته به جهت بنیان بلاد، ولی ظاهراً بر خلاف این است چون اول در هر جا که ممکن شود شهر را بنا کنند و بعد به واسطه زحمات ساکنین و رعایای آن‌جا اراضی چول اطراف آن‌جا مبدل به باغات و به چمن‌های با شکوه شود. به شرط آن که به قدر لزوم آب ممکن شود.»^{۲۳۱}

«کستنگو»: گزارش او داده‌های جغرافیایی واجد اهمیت سیاسی بسیاری دارد که نیازی به شاهد مثال نیست.

درک مسایل دیپلماتیک

۱. گروه «ایلچیان ایرانی»: در گزارش‌های آن‌ها مشهود است که به دلیل عدم آگاهی از روابط سیاسی بین المللی، درک درستی از مسایل سیاسی حوزه مأموریت خود ندارند.

۲۲۰. هدایت، ص ۱۱۴	۲۲۱. همان، ص ۱۱۸	۲۲۲. همان، ص ۱۲۰
۲۲۳. همان، ص ۹۳	۲۲۴. همان، ص ۷	۲۲۵. همان، ص ۱۴
۲۲۶. همان، ص ۱۲۰	۲۲۷. همان، ص ۱۱۴	۲۲۸. پاشینو، ص ۱۵۳
۲۲۹. همان، ص ۱۷۶	۲۳۰. همان، ص ۲۹۴	۲۳۱. همان، ص ۶۴

«ایلچی بخارا»: گفته‌های امیر بخارا را گزارش کرده که نشان می‌دهد درک سیاسی او از ایلچی ایرانی و متعاقب آن از شاه قاجار بیشتر است: «شما خبر ندارید این‌ها کمر همت بر خرابی ملک من بسته‌اند. صاحبان انگریز سابقاً به این‌جا آمده بودند. گاهی به کاغذپرانی، خان خوقند را تحریک به دشمنی ما می‌کردند و زمانی با خان ارگنج در مقام رسل و رسایل برمی‌آمدند، این‌ها را اغوای به عداوت ما می‌نمودند و تعهدات می‌کردند که هر چه اخراجات شما شود ما خود می‌دهیم و پاره‌های نقشه حدودات ولایت را می‌کشیدند و مهندسی معابر و راه‌های بخارا را می‌نمودند. اسباب حکاکی بر داشته مهرها به اسم هر کس کنده هر چه خاطر خواه خود بود می‌کردند.» در پاسخ، ایلچی ایرانی می‌گوید: «چون سرکار امیر از احوالات آن‌ها استحصالی ندارند به نظرشان غریب می‌نماید.»^{۳۳۲} و در ادامه نیز جملاتی را بر زبان می‌آورد که باز ناشی از عدم درک کافی از شرایط سیاسی جهانی و بازیگری قدرت‌های بزرگ در این منطقه است: «سرکار امیر با دوست محمدخان، که در کابل است و مردی با تجمل، راهی و ارتباطی ندارد و با خان اورگنج که هر روز در نزاع و جدال‌اند و با حاکم خوقند نیز همواره در مقام جدال و قتال‌اند. شهرسبزی و آن حدود هم که مخالف و ارادتی ندارند. دولت‌های بزرگ که اولاً دولت علیّه روس است قطعاً رابطه ندارند و با دولت بهیه انگریز هم این نوع سلوک نمودید. امر منحصر است به دولت علیّه ایران.»^{۳۳۳}

«ایلچی خوارزم»: نیز درک سیاسی درستی از روابط بین‌المللی ندارد و دولت انگلیس را دوست می‌پندارد و در گزارش خود آورده است که «چون طمس صاحب نایب اول وزیر مختار دولت بهیه انگلیس در استرآباد آمده بود و پرسش من بنده کرده بود ... او نیز سالی چند پیش به خیوه رفته بود ... چون می‌دانستم خان خیوه را با دولت انگلیس مراداتی و دوستی دارند آن‌چه مناسب آن مقام بود گفته شد.»^{۳۳۴} از سویی دیگر او برای جلب حمایت خان خیوه چنین ابراز داشته است که: «من از اوضاع ولایت شما با خبرم که از طرفی بخارایی و مروی و هروی و از سویی سپاه روسیه در کمین این ملکند ... خود ملاحظه نمایید که صلاح شما چیست و پشت و پناه شما کیست؟ اگر از بعضی دول خارجه به شما اظهار صداقتی شود مبنی بر کذب است. بنابر صرفه خود شما را در دست دارند ... طائفه‌ای که به شما اقریند به امیر بخارا دوستی می‌نمایند ... فرقه دیگر که با بخارا نزدیکترند با شما دم دوستی زنند و همانا خواهند که بنابر صرفه حال خود مسلمانان را به یکدیگر افکنند.»^{۳۳۵} و یا ساده‌لوحانه شاه قاجار را با بیان این که: «اگر با حاکم مرو از جانب پادشاه جم‌جاه التفاتی شود و

۳۳۴. هدایت، ص ۱۴۷.

۳۳۳. همان، ص ۴۹.

۳۳۲. سفرنامه بخارا، ص ۳۴.

۳۳۵. همان، ص ۷۸.

از راه مرو به خیوه رفتن راهی است آسان‌تر از همه راه‌ها و ده روزه به ولایت هزار اسب توان رسید و مسخر توان کرد،»^{۲۳۶} تشویق به حمله به خوارزم می‌نماید. غافل از آن که گرفتن خیوه شاید کار آسانی باشد. ولی او از طرح دولت نیرومند روسیه برای شمال شرق ایران آگاهی ندارد که این کار را برای حکومت قاجار غیرممکن می‌سازد.

۲. گروه «سفیران روسی» با آگاهی کامل سیاسی از روابط بین‌المللی درک درستی از مسایل دیپلماتیک منطقه دارد. این موضوع در بخش‌های مختلف گزارش آن‌ها مشهود است. «پاشینو» بیشتر به طرح مسایلی می‌پردازد که نفوذ اجتماعی دولت روسیه را در طبقات مختلف جامعه فراورد افزایش دهد. «کستنکو» توجه خود را معطوف به مسایلی کرده است که منافع اقتصادی دولت روسیه را در منطقه تامین نماید.^{۲۳۷}

رعایت شئون دیپلماتیک

۱. گروه «ایلچیان ایرانی» اهتمام زیادی در رعایت شئون سیاسی دارند ولی این شئون در نزد آن‌ها کاملاً جنبه سنتی داشته و با شئون دیپلماتیک عصر مدرن نسبتی ندارد. در شئون سیاسی سنتی ایلچیان ایرانی اغراق در قدرت و ثروت و همچنین بزرگ‌نمایی شکوه و جلال حکومت مطبوع در درجه نخست اهمیت است. تجمل در مجالس و تکلف در آداب و رسوم و تملق برای شاهنشاه از ویژگی‌های این سنت است. همچنین خودنمایی در هدایا و به رخ کشیدن مکتب خود و آرایش لباس و زین و برگ و طمطراق فراوان در آن اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. آنان در مقابل طرف مقابل چنان سخن می‌گویند که گویی شاه متبوع در جلسه حضور دارد و گفته‌های آن‌ها را می‌شنود. برخی موارد غرور و تبختر جزئی از رفتار معمول مأموریت آن‌ها محسوب می‌گردد و با این کار می‌خواهند عظمت حکومت متبوع خویش را به نمایش بگذارند. از دیگر ویژگی این سنت پرگویی و پراکنده‌گویی است که به نحو جالبی از آن به وسعت آگاهی و کثرت دانایی خود تعبیر می‌نمایند! از امتیازهای دیگر این سنت دادن انعام‌های فراوان به افراد مختلف و پخش کردن سکه برای اطفال و رعایا و همچنین گستردن سفرهای رنگین اطعام برای فخر فروشی و جلب توجه عمومی است. آن‌ها چنان در این امور مستغرق می‌شوند که گاهی به نظر می‌رسد تمرکزی روی هدف مأموریت خود ندارند.

«ایلچی بخارا»: اغراق و بزرگ‌نمایی قدرت حکومت متبوع خود را به امیر بخارا این گونه گزارش

کرده است: «اسباب و آلات جنگ از قبیل توپ و تفنگ و قورخانه و غیره به حدی حاضر است که در حوصله هیچ مملکتی تاب مقاومت یک ساعت آن نیست.»^{۲۳۸} استواری خود در سخن را نیز چنین آورده: «فدوی در جواب گفتم اگر قرار ترکستان اینست قرار ایران این نیست.»^{۲۳۹} و رعایت مصلحت دولت را این طور گزارش کرده: «از احوالات ولایات ایران و دوستی دولت روس و انگریز با ایران جويا شده کلا را بطور مصلحت و شکوه دولت جواب داده.»^{۲۴۰} و هدایای درباریان را نیز این گونه توصیف کرده است: «روز دیگر نفس بیگ و تراب بیگ هر یک را یک دست خلعت و یک قبضه کارد جوهری داده.»^{۲۴۱}

«ایلچی خوارزم»: برای شرفیابی به حضور خان خیوه تمارض کرده و کار را به تأخیر می‌اندازد تا شکوه و عظمت حکومت متبوع خود را در وقت مناسب‌تر و با آمادگی بیشتر به نمایش بگذارد و در این باب چنین گزارش کرده است: «از کار مطلع شدم و از استقبال تن زدم اظهار کسالت نمودم.»^{۲۴۲} و یا «تمارض کرده طبیعی خواستم ... به عیادت بنده فرستادند تحقیقات شد و علمی بیشتر از پیشتر حاصل آمد.»^{۲۴۳} و یا «چون بی اخبار بودم و ضمنا علما و امرا را مجتمع کرده اسباب تجملی فراهم آورده بودند و من بنده را به واسطه ضعف مزاج تحمل بار تجمل نبود عذر آوردم که حال خوش نیست.»^{۲۴۴} او اهتمام عجیبی در رعایت توازن شئون سنتی خود دارد و با آن که به زبان ترکی اشراف دارد ولی هنگامی که خان خیوه، که او هم فارسی می‌داند، از صحبت کردن به فارسی خودداری می‌کند، او هم تقاضای مترجم می‌نماید.^{۲۴۵} و یا وقتی نایب‌خان به دلیل عدم حضور خان در خیوه تقاضای ملاقات می‌کند او به شدت درخواست او را رد می‌نماید.^{۲۴۶} او در حضور خان، اغراق در قدرت نظامی حکومت قاجار را پیش می‌گیرد و به توصیف مفصل نفرات و تجهیزات سپاه ایران می‌پردازد^{۲۴۷} و با شرح کاملی به نبردهای عباس میرزا با عثمانی افتخار می‌نماید.^{۲۴۸} بزرگ‌نمایی قدرت نظامی ایران در برابری با عثمانی و روسیه را در گزارش او می‌توان دید: «گفتم جمعیت روم افزون است ولی سپاهی رومی (عثمانی) به شجاعت ایرانی نخواهد بود آنان همه تن

۲۳۸. سفرنامه بخارا، ص ۵۰. ۲۳۹. همان، ص ۴۷. ۲۴۰. همان، ص ۴۰.
 ۲۴۱. همان، ص ۳۰. ۲۴۲. هدایت، ص ۶۶. ۲۴۳. همان، ص ۶۷.
 ۲۴۴. همان، ص ۶۷.
 ۲۴۵. همان، «ترجمان دیلماجی کرد و چون او از فهمیدن فارسی ابا کرد و من از ترکی انکار لهذا واسطه در میان آمد.» ص ۶۹.
 ۲۴۶. همان، «گفتم من فرستاده حضرت شهنشاه ایرانم و به خان حضرت رسالت است چون اکنون او غایب مرا چه کار است با نایب؟» ص ۵۹.
 ۲۴۷. همان، ص ۶۹. ۲۴۸. همان، ص ۷۳.

پرورند و اینان همه آهن جگر.» و یا «گفتم ظن غالب آن است که دولت علیه ایران غالب شود. (بر ارتش روسیه) زیرا، مشق توپاندازی ایران به تعلیم معلم نظام انگلیس است.»^{۲۴۹} در مسأله حسن خبوشانی (قوچانی) که ادعای دروغین شاهزادگی قاجار را کرده بود خود را موظف به رفع بدنامی از دولت ابد مدت ایران می‌داند.^{۲۵۰} او همواره سعی می‌کند به طرز گفتمگو کند که احدی نرنجد.^{۲۵۱} در گزارش او شرح کاملی از مراسم ضیافت‌های باشکوه و اطعام‌های مشتهرش آمده است: «بعد از آن مجلس دیگر کسی را داعیه دعوت کردن من نیفتاد و از ضیافت خویش شرمسار شدند و از مهمانی من منفعلی آمدند.» و یا «در آن دو مقام به همه فقرا و علما و غربا طعام وافر دادم در همه خیوق ذکر این شیلان [سفره طعام] مشتهر شد»^{۲۵۲} همچنین «خوانین تراکمه یموت را بخواستیم و مجلس و منزل بیاراستیم. سخن از قوت دولت ابد مدت و انتظام امر مملکت در پیوستیم و نقش تصورات و تخیلات سابقه دولت و فتور قوت را از لوحه خاطر آن‌ها فرو شستیم.»^{۲۵۳} او در مورد انعام‌های سفر مأموریت خود چنین آورده: «شرفی‌های ده هزاری و شاهی شهریاری و مسکوک هزار دیناری که خاصه به جهت ایثار فقرای عرض راه الی مقصد آماده شده بود»^{۲۵۴} و شرحی از انعام‌های داده شده در صفحات مختلف گزارش او به چشم می‌خورد.^{۲۵۵} او در واقعه اسیران ایرانی در خیوه برای این که عظمت شاه قاجار خدشه‌دار نگردد، شاه را از این موضوع بی اطلاع جلوه می‌دهد و می‌گوید: «حال من بر من بگردید ... بیخود گفتم که: حضرت پادشاه از این امر آگاه نیست ... و من خود در این امر اجتهاد و سعی بلیغ خواهم کرد.»^{۲۵۶} او پرگویی و پراکنده‌گویی خود در مجالس رسمی را بر اساس اظهار نظرهای احتمالا تعارف آمیز طرف مقابل را که برای خوشآیند او بیان شده را به حساب آگاهی و دانایی و با خبری خود منظور داشته و در موارد متعددی این موضوع را گزارش کرده است: «به وزیر گفت این مرد عجب مرد آگاهی است و بسیار دانا است اگر در ولایت ما ماندی ما را بسی فایده‌ها بودی.»^{۲۵۷} و یا «پس از آن مجلس در شهر من بنده نادان به دانایی مشهور شدم»^{۲۵۸} و یا «خان خیوق به وزیرش گفت: این فرستاده ایران از همه جا با خبر است و بی اغراق و غرض و تزویر جواب همه سخنان باز گوید.»^{۲۵۹}

۲۴۹. همان، «گفتم من فرستاده حضرت شهنشاه ایرانم و به خان حضرت رسالت است چون اکنون او غایب مرا چه کار است

با نایب؟» ص ۷۴.

۲۵۰. همان، ص ۶۰	۲۵۱. همان، ص ۵۸	۲۵۲. همان، ص ۹۰
۲۵۳. همان، ص ۳۹	۲۵۴. همان، ص ۶	۲۵۵. همان، ص ۹؛ ص ۵۲
۲۵۶. همان، ص ۶۴	۲۵۷. همان، ص ۸۳	۲۵۸. همان، ص ۵۸
۲۵۹. همان، ص ۷۵		

۲. گروه «سفیران روسی»، به طور کلی از این تشریفات، تکلفات، تجملات و تعارفات مبرا است. شئون دیپلماتیک مدرن از جنس دیگری است و هیچ نسبتی با شئون سیاسی سنتی ندارد. شئون دیپلماتیک مدرن ویژگی‌های بارزی دارد که از جمله بکارگیری شیوه‌های مدرن پلتیکی و رعایت دیسپلین دیپلماتیک و برخورداری از پرنسپ دیپلماتیک است. در این شیوه همه اهتمام بر آن است که تمرکز سفیر روی هدف مأموریتش حفظ و تقویت گردد.

«پاشینو»: در گزارش مأموریت او اگر از مهمانی و شلیک توپ و کشتی‌های روسی سخن می‌رود برای نشان دادن شکوه و عظمت امپراتوری روسیه نیست. هنگامی که کشتی روسیه را در آب‌های سیحون به ایلچیان امیر بخارا نشان می‌دهد قصد او تحت تاثیر قرار دادن امیر بخارا برای آزادی گروهان‌های روس از بخارا است و نه چیز دیگر: «به ایلچی بزرگ گفتم که احتمال کلی می‌رود که اگر امیر این کشتی‌های ما را ببیند، رسولان چرنیایف را مرخص خواهد کرد.»^{۲۶۰} و هدف او از: «شلیک توپ و نشان دادن رولور (هفت تیر) به فرستادگان امیر بخارا،»^{۲۶۱} نیز، برای صرف نظر کردن مقاومت بخاراییان و تسلیم شدن امیر بخارا است. همچنین نیت او از برگزاری میهمانی باشکوه برای ایلچیان بخارا: «از ایلچیان پرسیدم امیر شما این‌گونه مهمانی نموده است؟»^{۲۶۲} تحریک آن‌ها به تمایل به دولت روسیه و همکاری آن‌ها با روس‌ها است.

آشنایی با زبان‌ها و فرهنگ محل مأموریت

۱. گروه «ایلچیان ایرانی»: با آن که سفر مأموریتی آن‌ها به بخشی از شمال شرقی سرزمین ایران بزرگ است که از نظر زبانی، فرهنگی و تاریخی همانندی بسیاری دارد. آشنایی آن‌ها با زبان و فرهنگ محلی در حد مشترکات فرهنگی موجود می‌باشد. ایلچیان ایرانی بر حسب علاقه فردی و شغل درباری خود با فرهنگ بومی محل مأموریت خود آشنایی یافته‌اند. آن‌ها آشنایی آموزش دیده و نظام یافته‌ای برای هدف مأموریت خود ندارد. «ایلچی بخارا»: در گزارش خود اثری از آشنایی زبانی و فرهنگی بدست نداده است.

«ایلچی خوارزم»: به دلیل آن که زبان ترکی می‌داند لغات زیادی را در گزارش خود معنا کرده و توضیح داده است.^{۲۶۳} او به دلیل این که به ضیافت و میهمانی علاقه‌مند است و حتی آشپز خود را

۲۶۰. پاشینو، ص ۱۹۶.

۲۶۱. همان، ص ۱۹۶.

۲۶۲. همان، ص ۲۱۶.

۲۶۳. کستنکو، «بیکند = کندر؛ قرقیز = چهل دختر؛ قوبالیغ = بلاساغون؛ مرو شاه‌یجان = روح الملک؛ توره = شاهزاده یعنی

هنوز به مرحله خانی نرسیده‌اند.» ص ۱۲۸؛ «ترکان قصر را قرشی خوانند.» ص ۱۱۶.

هم از تهران با خود آورده خوراکی‌های خوارزم را هم توصیف کرده است.^{۲۶۴} همچنین او به دلیل این که شخصی ادیب، شاعر و مورخ است همان‌طور که در متن هم گزارش‌هایی به شعر و نظم آورده است،^{۲۶۵} آشنایی زیادی با تاریخ و فرهنگ محلی که البته جزئی از فرهنگ ایرانی است دارد. در بیان آشنایی با شاعران محلی گزارش کرده: «شعاری از شیخ نجم‌الدین کبری و پهلوان محمود خوارزمی خواندم و نسخه کردم و به اطراف بردند.»^{۲۶۶} در بیان فرهنگ زیارت در میان خوارزمیان آورده: «آدون آتا از مشایخ اتراک بوده مرید زنگی آتاست و زنگی آتا مرید حکیم آتا ... قبور ایشان در صحرای خوارزم زیارتگاه این طایفه است.»^{۲۶۷} او مورخی است که با تاریخ محلی آشنایی دارد و درباره خانات خیوه^{۲۶۸}، علت کوچ طایفه یموت به گرگان^{۲۶۹}، داستان پهلوان محمود قتالی^{۲۷۰}، داستان سلطان محمد خوارزمشاه^{۲۷۱} و شهادت نجم‌الدین کبری^{۲۷۲} توضیح مفصلی آورده است.

۲. گروه «سفیران روسی»: با وجود تفاوت زبانی، فرهنگی و دینی با مردمان محل مأموریت خود به دلیل آموزش‌های نظام‌مند و کسب قابلیت‌ها و توانایی‌های لازم با زبان و فرهنگ محل مأموریت خود آشنایی مناسبی پیدا کرده‌اند. زیرا، در عرصه دیپلماتیک مدرن، آشنایی با زبان و فرهنگ محل مأموریت برای موفقیت در انجام وظایف مأموریتی ضروری است.

«پاشینو»؛ تسلط به زبان‌های محلی را در گزارش خود این چنین ابراز کرده است: «من در زبان مشرقی مسلط بودم.»^{۲۷۳} و یا «من با ایشان چند کلمه به زبان قرقیزی متکلم شدم.»^{۲۷۴} و همچنین «یکی از ایشان از برای من شعری چند خواند ... من آن را به زبان روسی ترجمه کردم و بیتیر شاعر او را به نظم در آورد و در روزنامه آنولید در سنه ۱۸۶۴ آن را چاپ کردند به اسم تصنیف ترکمنی.»^{۲۷۵} از سویی دیگر معنی اصطلاحاتی مانند سارت (به معنی تاجیک)، قراقالپاق، باشگیر (یا باشقیر به معنی سر گرگ) و غیره را به درستی بیان کرده است.^{۲۷۶} او از تلاش خود و تحمل سختی‌های بسیار برای آشنایی با فرهنگ مردمان محلی چنین توصیف کرده است: «من جمیع این ناملایمات

۲۶۴. کستنکو، «بیکند = کندر؛ قرقیز = چهل دختر؛ قوبالغ = بلاساغون؛ مرو شاه‌بیجان = روح الملک؛ توره = شاهزاده یعنی

هنوز به مرحله خانی نرسیده‌اند.» ص ۱۲۸؛ «ترکان قصر را قرشی خواندند.» ص ۸۸

۲۶۵. همان، ص ۲۶، ۲۷، ۱۶، ۱۰، ۱۴، ۸، ۶، ۴، ۵۹. ۲۶۶. همان، ص ۸۳

۲۶۷. همان، ص ۴۹. ۲۶۸. همان، ص ۱۲۸

۲۶۹. همان، «در سال ۱۲۱۱ ه ق در قنقرات ایلندرخان خروج کرد طایفه یموت را از گرگانج و خوارزم بیرون کرده به حدود

گرگان فرستاد.» ص ۱۲۷

۲۷۰. همان، ص ۱۰۲-۱۰۳. ۲۷۱. همان، ص ۱۰۷-۱۰۸. ۲۷۲. همان، ص ۱۰۸-۱۰۹

۲۷۳. پاشینو، ص ۴۰. ۲۷۴. همان، ص ۵۰. ۲۷۵. همان، ص ۱۱۵

۲۷۶. همان، ص ۲۸۲

و صدمات را بر خود هموار کرده بودم ... و از برای ... اطلاع کامل از گذراندن و معاش و حالات این طایفه تن به قضا در داده بودم.»^{۲۷۷}

برخی از نتایج آشنایی درباره فرهنگ محلی که در گزارش او ثبت شده عبارت است از: تفسیر «سنگ قبرهای بال بال»،^{۲۷۸} که فرهنگ آیینی تدفین در میان قبایل قزاق و قرقیز است، و گزارش کاملی از «امراض و معالجات [رایج در میان] قرقیزها»،^{۲۷۹} و توضیح مفصل «رسوم خواستگاری، ازدواج، مهریه، شیر بها و ...»^{۲۸۰}

«کستنکو»: نیز در گزارش خود نشان داده است که علاوه بر آشنایی با زبان‌های محلی با فرهنگ بومی منطقه آشنایی کاملی دارد. نمونه‌هایی از این آشنایی را می‌توان در گزارش او نشان داد: «قزاق کلمه ترکی است و معنی آن هرزه‌گرد و بی‌خانه و منزل می‌باشد؛»^{۲۸۱} «چمکند = شیمکنت (قزاقی) = جموکت؛»^{۲۸۲} «خوقند = خوب کند؛»^{۲۸۳} «شوره‌زارها را طایفه قرقیز به زبان خودشان سیر می‌نامند؛»^{۲۸۴} «صحراهای ریگزار به زبان قرقیز قم می‌نامند؛»^{۲۸۵} «تل‌های ریگ موسوم به بارخان هستند.»^{۲۸۵} او همچنین توصیف بسیار کاملی از انواع «خوراک، لباس، چادرها و...»^{۲۸۶} و «نوشیدنی‌ها، چای سبز، دوغ، شیر بریده مادیان (قمیز)، شربت‌ها، عمل آوردن شراب و عرق [که منحصر به یهودی‌ها بوده است]»^{۲۸۷} و «لباس‌های مردان [پارچه‌های پنبه‌ای] و زنان [از ابریشم] و حتی نوع دوخت آن‌ها»^{۲۸۸} و همچنین «اسبایی که مردان در کیف کمربند خود دارند. مانند چاقو، شانه، مهر، چقماق»^{۲۸۹} آورده است. او در گزارش خود توجه زیادی هم به «اعتقادات»،^{۲۹۰} «صفات و عادات و خصایل»،^{۲۹۱} «اخلاقیات»،^{۲۹۲} «مراسم تدفین و سوگواری»،^{۲۹۳} «آداب و رسوم ازدواج»،^{۲۹۴} و «آداب و رسوم کوچ کردن»،^{۲۹۴} قرقیزها آورده است.

۲۷۷. کستنکو، «در سال ۱۲۱۱ ه ق در قنقرات ایلنذرخان خروج کرد طایفه یموت را از گرگانچ و خوارزم بیرون کرده به حدود

گرگان فرستاد.» ص ۵۱.

۲۷۸. همان، ص ۱۱۴.

۲۸۱. کستنکو، ص ۶۹.

۲۸۳. همان، ص ۵۰.

۲۸۶. همان، ص ۷۷.

۲۸۹. همان، ص ۹۴.

۲۹۲. همان، ص ۸۵.

۲۹۵. همان، ص ۷۶.

۲۷۹. همان، ص ۷۱.

۲۸۲. همان، ص ۴۸؛ مقدسی، ص ۳۹۷؛ پاشینو، ص ۱۴۹.

۲۸۴. همان، ص ۴۲.

۲۸۷. همان، ص ۹۲.

۲۹۰. همان، ص ۸۴.

۲۹۳. همان، ص ۷۴.

۲۸۰. همان، ص ۲۸۵.

۲۸۵. همان، ص ۴۳.

۲۸۸. همان، ص ۹۲.

۲۹۱. همان، ص ۷۸.

۲۹۴. همان، ص ۷۳.

نگرش تاریخی در تبیین علل رخدادها

۱. گروه «ایلچیان ایرانی»، در گزارش‌های خود نشان داده که فاقد نگرش تاریخی بوده و به علت‌های رخدادها به صورت تاریخی توجهی نکرده است.

«ایلچی بخارا» بدون آگاهی از شرایط سیاسی و علل حوادث رخ داده در منطقه این چنین ادعا می‌کند که مرو متعلق به ایران است: «مملکت مرو از عهد منوچهر تا به حال جزو مملکت خراسان بوده ... باید کمافی‌السابق احدی در آن جا دخل و تصرف ننماید.» درحالی که امیر بخارا که به نظر می‌رسد به اوضاع سیاسی زمانه منطقه اشراف بیشتری دارد پاسخ می‌دهد: «ترکمانان آمده از ترس خان اورگنج از ما خواهش حاکم نمودند ... حاکم روانه کردیم ... اخراجات او (مرو) را باید از بخارا ببرند! چه وقت از دولت علیّه (ایران) آدم به ضبط و ربط آن جا (مرو) آمد که ما ممانعت نمودیم یا رضا به آمدن آن نداشتیم؟» او با نگرش تاریخی و توجه به علت حوادث مرو چنین پیشنهاد می‌دهد: «و حق مقام این است تا شهر مرو مثل سابق آباد نشود نه ترکمان آن جا رعیتی، و نه حاکم که از هر جانب باشد حکومت تواند کرد»^{۲۹۶}. در مواردی که او از علت رخدادی گزارش کرده فقط موارد را برشمرده و تحلیل تاریخی ارائه نداده است. مانند «در اوایل دولت سرکار امیر توره را زهر خوراند بنا به سبب عدم اطمینان از او و هم به علت گمان تشیع که در او می‌بردند.»^{۲۹۷}

«ایلچی خوارزم» نیز در تبیین علل رخدادها با ساده‌اندیشی سنتی موارد را برمی‌شمارد. مانند وقتی که نتیجه کار مأموریت او با شکست مواجه می‌شود و خان خیوه «رد کردن اسرا را مصلحت وقت ندانستند» علت واقعه را بدون توجه به اوضاع سیاسی منطقه و نفوذ گسترده روسیه در فرارود و نیاز خان خیوه برای دست‌یابی به منابع اقتصادی و انسانی شمال شرق ایران چنین بیان می‌دارد که «چون می‌ترسیدند که دولت ایران فکر کند که آن‌ها از لشکرکشی به سرخس ترسیده‌اند و مطالبات بیشتری داشته باشند.»^{۲۹۸} او همچنین علت توقف تجارت در دریای خزر را بدون توجه به سیاست‌های استعماری روسیه چنین ابراز داشته است: «مستحضر شدیم که در میانه دریاییگی دولت بهیبه روسیه و تراکم طرف گرگان مخالفتی رفته و به جنگ و جدال و نهب قتال رسیده.»^{۲۹۹} با آن که او مورخ است ولی به دلیل این که نگاه تاریخی او سنتی است از نگرش تاریخی دیپلوماتیک در علت‌یابی حوادث زمانه خود برخوردار نیست. از این رو در گزارش خود در «شرح تاریخ بایبه»^{۳۰۰} که ارتباطی با هدف مأموریت او ندارد صفحاتی را نوشته است، ولی از درک علت‌های حوادث جاری

۲۹۸. هدایت، ص ۸۶.

۲۹۷. همان، ص ۳۲.

۲۹۶. سفرنامه بخارا، ص ۳۹.

۳۰۰. همان، ص ۱۹-۱۷.

۲۹۹. همان، ص ۲۳.

محل مأموریت خود عاجز مانده و چنین می‌آورد: «والله اعلم بحقایق الامور تا از پرده غیب و تقدیر چه برآید.»^{۳۰۱}

۲. گروه «سفیران روسی» در گزارش‌های خود نشان می‌دهد که از نگرش تاریخی در تبیین علل رخدادها برخوردار است.

«پاشینو»: نگرش تاریخی او در تبیین علت ممنوعیت تجسیم و تصویر در گزارش او مشهود است: «در ابتدای اسلام ... چون خلق را از بت پرستی به خداپرستی آوردندی لهذا محض این که ایشان دوباره به فکر پرستش اصنام ... نیفتند این امر نهی گشت و لهذا در میان فرق شیعه این حکم معمول است که ساختن اشکال مجسمه را معصیت دانند ولی در تصویرات بر صفحه کاغذ عیبی نشمارند و در میان اهل تسنن هر دو این‌ها منسوخ است»^{۳۰۲} و عدم کاربرد ابریشم: «پارچه ابریشمی کم استفاده می‌شود چون که لباس ابریشمی در مذهب اسلام برای مردان حرام است.»^{۳۰۳} و علت عدم آبادی شهری را چنین تبیین کرده است: «صاحب‌منصبان آن شهر چون جزء متوقفین نیستند و خود را موقتا مقیم می‌دانند معلوم است که در این صورت هیچ به خیال آبادی آن‌جا نخواهند افتاد.»^{۳۰۴} همچنین علت رابطه خوب قرقیزها و یهودی‌ها با روس‌ها را این‌طور از هم تفکیک کرده است: «این خدمت از قرقیز نه به واسطه اطاعت و خدمت روسیه بود و نه به جهت عداوت با امیر بخارا بلکه به واسطه وعده و پول و نشان‌های مدال که میخائیل پالوویچ به آن‌ها داده بود این کار را می‌کردند.»^{۳۰۵} و «چند نفر یهودی نیز در میان ایشان بودند ... که بیشتر از قرقیزها، از غلبه ما بر این صفحات، مشعوف بودند. زیرا، قبل از فتح روسیه یهودان در میان قرقیزها چنان مخدول و منکوب بودند که نمی‌توانستند سوار بر اسب جایی روند و مجبور بودند بر این که کمربندهاشان از طناب باشد تا امتیازی داده شود ولی بعد از این فتوحات مطلق‌العنان شدند و نیز با بضاعت.»^{۳۰۶} نکته جالب این که او توجه به یک علت تاریخی دارد که در ترکستان همه بناها را به تیمور نسبت می‌دهند.^{۳۰۷} در امور اقتصادی و بازرگانی نیز او با نگرش تاریخی به تبیین علل رخدادها می‌پردازد. نمونه‌های آن چنین است: «جنس روسیه در آن ملک چندان طالب و مشتری ندارد. تقصیر روسیه است که جنسی که موافق سلیقه ایشان است به آن‌جا نبرند.»^{۳۰۸} و یا «به جز آهنگری صنعت دیگری نیست ... علت ... عدم علم ... قلت هیزم ... گرانی فلزات.»^{۳۰۹} و یا «اگر نقش

۳۰۳. همان، ص ۲۴۵.

۳۰۲. پاشینو، ص ۱۱۴.

۳۰۱. هدایت، ص ۱۲۸.

۳۰۶. همان، ص ۱۳۴.

۳۰۵. همان، ص ۶۲.

۳۰۴. همان، ص ۶۵.

۳۰۹. همان، ص ۲۵۱.

۳۰۸. همان، ص ۲۶۳.

۳۰۷. همان، ص ۱۲۹ و ۱۷۶.

چیت‌های اروپایی را که به آسیا می‌برند از روی نقاشی اطاق‌ها و فرش‌های آسیایی بردارند مشتری بیشتری خواهد داشت.»^{۳۱۰} و یا «چرا کارخانه شیشه‌گری نیست ... مرسوم نیست ... مشروبات مصرف نمی‌شده ... حال که اهالی روسیه آمده‌اند نیاز هست.»^{۳۱۱} ذهنیت علت‌یابی برای رخدادها او را برای پیش‌بینی در برخی امور منطقی توانا کرده است. به نحوی که در گزارش او آمده است که: «چون که آن قلعه محل تلاقی دو جاده خیوق و بخاراست و لابد بارانداز قافله خواهد بود.»^{۳۱۲} و یا «در تاشکند باد شدیدی وزیدن گرفت به طرف سمرقند ... یقین نمودم بر لشکر بخارا شکست وارد آمده ... معلوم شد خیال مطابق واقع بوده.»^{۳۱۳}

«کستنکو» نیز نگرش تاریخی را در تبیین وقایع در پیش دارد. او در تحلیلی تاریخی با استفاده از نظرات «دیکسن بر برتری اسلام» ارائه داده و آورده است که: «مذهب اسلام طوایف مختلفی را با هم مخلوط و شبیه به یکدیگر می‌نماید.»^{۳۱۴} او وقایع تاریخی منطقه مانند «جنگ بخارا و نتایج آن ۱۸۶۸ م.»^{۳۱۵} را به درستی تبیین کرده است. همچنین در تحلیل‌های تاریخی، او از داده‌های تاریخی به نحوه کار آمدی استفاده نموده و اطلاعات درباره «تاریخ شهرهای جیحون و سیحون در دوره باستان»^{۳۱۶} و اطلاعات تاریخی درباره «بخارا و سمرقند پس از اسلام»^{۳۱۷} ارائه داده است. او در علت‌یابی‌های خود در مواردی مقصود اصلی و ثانوی را به درستی از هم تفکیک نموده است. مانند «به محض ساختن قلاع حمله بردن به سرحد روس موقوف گردید. ولی هنوز مقصود اصلی غیر حاصل بود ... هنوز قشلاق‌های قرقیز در تصرف روس نبود.»^{۳۱۸} علت‌یابی‌های حوادث طبیعی و یا اقتصادی هم در گزارش او به چشم می‌خورد. مانند «علت و جهت این بوران باد شمال شرقی است که به جای باد غربی یا باد جنوب غربی می‌وزد و بخارات بادهای گرم غربی متصاعد شده و مبدل به برف می‌شود.»^{۳۱۹} و یا «برای زراعت اراضی کوهستانی بهتر می‌باشد زیرا گندم با آب باران بهتر عمل می‌آید تا در دشت‌ها.»^{۳۲۰}

توجه به امور سیاسی و نظامی

۱. گروه «ایلچیان ایرانی» داده‌های متعدد و متنوعی در گزارش‌های خود ارائه داده‌اند که نشان‌دهنده توجه آن‌ها به امور سیاسی و نظامی منطقه مأموریت خود است. ولی، این داده‌ها بیشتر

۳۱۲. همان، ص ۷۲.

۳۱۵. همان، ص ۱۲۱.

۳۱۸. همان، ص ۱۶۰.

۳۱۱. همان، ص ۲۵۵.

۳۱۴. کستنکو، ص ۱۱۱.

۳۱۷. همان، ص ۸۱.

۳۲۰. همان، ص ۴۵.

۳۱۰. پاشینو، ص ۲۵۵.

۳۱۳. همان، ص ۲۱۱.

۳۱۶. همان، ص ۸۰.

۳۱۹. همان، ص ۴۲.

به اخبار خبرگیران شباهت دارد تا گزارش‌های یک فرستاده سیاسی.

«ایلچی بخارا»: او دیده شدن «کدخدایان ساروق و سالور در مرو»^{۳۲۱} و «سبحانقلی میرآخور امیر بخارا در سرخس»^{۳۲۲} و این که «خان ارگنج با سی هزار جمعیت بر سر چهارجوی آمده چهل هزار خانوار را از آن‌جا کوچانیده برد»^{۳۲۳} و آمار جاسوسان امیر بخارا را «در آن ولایت قریب ششصد هفتصد نفر واقع نویس دارد هر چه ببینند یا بشنوند ناچار باید به سرکار امیر بنویسند»^{۳۲۴} گزارش کرده است. او اطلاعات زیادی را هم از قشون امیر بخارا تهیه کرده است. مانند «اگر پادشاه بخواهد به سمتی قشون برده باشد در خزانه دیناری نیست به مصرف قشون برسد. باید از تجار مملکت قرض نموده، تا بعدها پس بدهد. اگر تجار میل به دادن دارند می‌دهند والا نخواسته باشند نمی‌دهند مایه نقار پادشاه نمی‌شود ... اما اگر لشکر از سمتی بر سر آن‌ها بیاید آن وقت پادشاه تنخواهی از رعیت و تجار می‌گیرد»^{۳۲۵} و «هر وقت بخواهند قشون به سمتی بکشد و پول ضرور داشته باشد رعایای بخارا تنخواه به عنوان قرض به او می‌دهند که آن را «جعل پولی» می‌نامند. اگر چنان‌چه رفت و خرج کرد بسیار خوب و اگر نرفت باز پول را تقسیم کرده به صاحبش رد می‌کند و اگر رفت بعضی را خرج کرده و بعضی مانده را مراجعت آن تنخواه که مانده است از روی تقسیم پس می‌دهد»^{۳۲۶} و «به هر سمتی که در خدمت پادشاه بروند سفر آن‌ها بیش از چهل روز طول نخواهد کشید ... قشون متفرق می‌شود ... این از بی بضاعتی سلطان و بی اوضاعی قشون است که تدارک و سیورسات ندارند»^{۳۲۷} و «انضباط کارشان به حدی است که احدی از اخبار مستحضر نمی‌شود و از اردو کسی قادر نبود که وقایع بنویسد»^{۳۲۸}

«ایلچی خوارزم» وضعیت خانان خیوه و قشون آن را این‌گونه گزارش کرده است: «اصل خوانین خیوه از اوزبک قنقرات و امیر بخارا از طایفه (اوزبک) منقیت است»^{۳۲۹} و «بعد از فوت هریک از خوانین خیوه هر کس که وارث و فرزند شایسته اوست قضات و علما و امرا و وزرا اجتماع کرده بدو تکلیف خانیت نمایند»^{۳۳۰} و «خان خیوه به هریک از ملازمان خود یک طناب زمین داده باشد در وقت سفر یک سوار باید آورد و هر سواری دو اشتر به جهت آذوقه از این رو سیاهی لشکر او زیاد می‌نماید»^{۳۳۱} و «خوارزم پنج قلعه حاکم نشین دارد ... خیوق، هزاراسب، اورگنج، کات،

۳۲۳. همان، ص ۳۰.

۳۲۶. همان، ص ۴۱.

۳۲۹. هدایت، ص ۱۱۳.

۳۲۲. همان، ص ۵۸.

۳۲۵. همان، ص ۶۵.

۳۲۸. همان، ص ۴۵.

۳۳۱. همان، ص ۱۴۰.

۳۲۱. سفرنامه بخارا، ص ۵۶.

۳۲۴. همان، ص ۴۷.

۳۲۷. همان، ص ۶۶.

۳۳۰. همان، ص ۱۲۹.

خانگاه(خانقاه).^{۳۳۲} او از داستان فرستاده امیر بخارا به عثمانی^{۳۳۳} و همچنین پناهنده‌ای از دربار امیر بخارا به خان خیوه^{۳۳۴} گزارش داده است.

۲. گروه «سفیران روسی» در گزارش‌های خود توجه ویژه‌ای به امور سیاسی و نظامی از لحاظ دیپلماتیک دارند.

«پاشینو» در مورد سرحد تعیین شده برای قرقیزها انتقاد می‌کند و می‌نویسد: «ما تعجب کردیم که چرا سرحد این مملکت جدید در آن‌جا معین شده، ولی اگر این سرحد از قلعه نمره دوم یا از قلعه پُروسکی معین می‌شد بهتر بود. چون که قرقیزهای قلعه نمره اول در فصل تابستان نقل مکان به سمت اورنبورگ می‌کنند و نصف بیشتر سال را در آن سمت‌ها به سر می‌برند نه در سمت تاشکند و غرض از نقل مکان ایشان تجارت و غارت سرحدات است و چون در آن سرحد از تبعیت خارجند و از حکم حکمران اورنبورگ دور، لهذا دست تعدی و غارت ایشان بسی دراز است.»^{۳۳۵} او خشونت سربازان روسی را در سال ۱۸۶۴م. در هنگام تصرف چمکند به ضرر منافع روسیه دانسته، می‌گوید: «سربازان در شهر ریخته ... غارت کردند ... مردان را در خانه‌ها خفه نمودند ... اهل شهر همه ساله در همان روز اسباب تعزیت برای خود بچینند و مویه کنند ... در صدد انتقام از روس خواهند برآمد ... در روز عید حضرت عیسی اهل شهر خیال انتقام از روس دارند.»^{۳۳۶} او به روحیه سربازان روس نیز در گزارش خود توجه نموده است: «سرتیپ ... گفت ببینید سربازانی را که در حمله چرنیایف بر دیزاک شکست خورده بودند حال چگونه دوباره آتش شوق در کانون سینه ایشان ... مشتعل گردانیدم ... غنایم بسیار و گوسفند بیشماری را که از آن‌ها به تاراج آورده‌ام.»^{۳۳۷} او گزارش‌های دقیقی از «شرح جزییات جنگ‌های روسیه در ترکستان»^{۳۳۸} «یاغی‌گری‌های محلیان در حاشیه سیحون ... آتش زدن هیزم کشتی بخار روس‌ها در رود سیحون»^{۳۳۹} «ساختن اسلحه آتشی در شهر نمگان»^{۳۴۰} «شرح اسلحه‌سازی و قیمت آن‌ها ... توپ‌ریزی ... در شهر خوقند ... از قرار گفتار توپچیان روسیه آن توپ‌ها بسیار به قاعده ریخته شده بود»^{۳۴۱} و توصیف «لباس سربازان»^{۳۴۲} دارد.

۳۳۲. هدایت، ص ۹۴.

۳۳۳. همان، «ذکر حال فرستاده امیر بخارا به دولت عثمانی و مراجعت او ... طائفه تکه بر سر او ریختند اموال او را به غارت

بردند و او را اسیر به خیوق آوردند.» ص ۶۱

۳۳۴. همان، «ذکر حال سید احمد خواجه نقیب بخارایی ... خان خیوق پیام داد اراده مکه دارد.» ص ۹۲.

۳۳۵. پاشینو، ص ۴۵. ۳۳۶. همان، ص ۱۵۴. ۳۳۷. همان، ص ۱۸۴.

۳۳۸. همان، ص ۱۲۲. ۳۳۹. همان، ص ۱۹۰. ۳۴۰. همان، ص ۲۵۲.

۳۴۱. همان، ص ۲۵۳. ۳۴۲. همان، ص ۱۶۸.

همچنین به رقابت سیاسی بیگلربیگی محلی ترکستان با حاکم روسی ترکستان چنین اشاره کرده است: «بیگلربیگی ترکستان خود را با حاکم متساوی‌الشان می‌دانست و حاکم شان خود را برتر می‌دانست.»^{۳۴۳}

«کستنکو» نیز به موارد بسیار مهم سیاسی و نظامی در گزارش خود اشاره دارد. مانند «سرحدات روسیه با خانات خوقند و بخارا و تراکمه»،^{۳۴۴} «مناصب حکومتی خانات آسیای مرکزی»،^{۳۴۵} «مخارج قشون»،^{۳۴۶} «لشکر منظم خوانین ... لباس سربازها»،^{۳۴۷} او همچنین نظر بارنز انگلیسی را در مورد قحط‌الرجال در ترکستان تایید کرده، می‌نویسد: «در ممالک ترکستان هیچ به قدر کمی سرداران و روسا مایه حیرت و تعجب نیست ... جز درب خانه خوانین و علما دیگر بزرگان و معتبرین و اشخاص مقتدر یافت نمی‌شوند.»^{۳۴۸} و همچنین عدم اطلاع فرارودیان را از فنون جدید نظامی این‌طور گزارش کرده است: «اهالی ترکستان سررشته استعمال و به کار بردن توپ ندارند ... نه اطلاع از نشانه‌های قراول رفتن دارند... نه دارای آلتی که به واسطه آن بتوان تعیین درجه کرد.»^{۳۴۹}

توجه به امور اقتصادی و بازرگانی

۱. گروه «ایلچیان ایرانی» در گزارش‌های خود توجه زیادی به امور اقتصادی و بازرگانی حوزه مأموریت خود ندارند و فقط اخبار پراکنده‌ای در گزارش‌های آن‌ها یافت می‌شود. «ایلچی بخارا»: گزارش کرده است که «منافع پادشاه گمرک است که از تجار همه جا به او عاید می‌شود ... از روس ... از کابل و ختا و ایران مجموعاً یکصد هزار تومان می‌شود آن را هم در این اوقات به هر کس که قوش بیگی، یعنی وزیر، است به او جهت مخارج می‌دهند.»^{۳۵۰} و «هرگز در خزانه پادشاه یک تومان یافت نمی‌شود ... کتاب و شال و قرآن به بازار آورده فروختند.»^{۳۵۱} و «املاک اربابی رعیتی که مالیات به پادشاه می‌دهند یکصد و پنجاه هزار تومان عراقی است.»^{۳۵۲} او همچنین به «باج‌گیر دریای آمویه»،^{۳۵۳} و «باج از غلامان»،^{۳۵۴} اشاره کرده است. او نقل می‌کند که «از رود زرافشان طلا گرفته می‌شود.»^{۳۵۵} همچنین درباره قابلیت کشاورزی در برخی مناطق نیز چنین اظهار نظر کرده است: «هرگاه در آن‌جا قناتی کنده شود و قلعه بنا شود خیلی خوب است.

۳۴۵. همان، ص ۹۴.

۳۴۴. کستنکو، ص ۸۸.

۳۴۳. پاشینو، ص ۱۳۳.

۳۴۸. همان، ص ۱۱۲.

۳۴۷. همان، ص ۹۴.

۳۴۶. همان، ص ۲۹۳-۲۹۲.

۳۵۱. همان، ص ۶۴.

۳۵۰. سفرنامه بخارا، ص ۶۵.

۳۴۹. همان، ص ۹۵.

۳۵۴. همان، ص ۵۸.

۳۵۳. همان، ص ۵۴.

۳۵۲. همان، ص ۶۴.

۳۵۵. همان، ص ۷۲.

زمین پر آب و پر قوتی دارد ... آن چه این فدوی دیده لازم است معروض دارد.»^{۳۵۶}

«ایلچی خوارزم»: گزارش او درباره بازرگانی خوارزم محدود به این موارد است: «اشرفی و ریال آن ولایت را تنکه (تنگه) گویند؛»^{۳۵۷} «کاروان باشی در آن ولایت به منزله ملکالتجار است و در معاملات دیوانی نیز دخیل؛»^{۳۵۸} «بعض امتعه از روس و بخارا و خوقند و هرات در آنجا آوردند.»^{۳۵۹} و در مورد کشاورزی خوارزم چنین آورده است: «از زمین پست و نهرهای فرود با چرخ ها و کوزه‌ها و گردیدن اشتر آب را به بالا کشیده بر زمین بلند سوار کنند؛»^{۳۶۰} «خریزه‌اش بهتر از قم و کاشان، توتش بهتر از شمیران، هلو و انجیرش بزرگتر از مازندران؛»^{۳۶۱} «روغن کنجد که در نزد ایشان در حیز تعریف نگنجد؛»^{۳۶۲} «سیب هزار اسب در عالم نظیر ندارد.»^{۳۶۳} او درباره شیرینی^{۳۶۴} و تلخی^{۳۶۵} آب‌های نواحی مختلف اشاره‌های زیادی دارد. درباره مالیات و درآمد حاصل از شهرها آورده است: «زکات را چهل یک گیرند؛»^{۳۶۶} «از بخارا دوصد هزار تومان یک مثقالی حاصل می‌گردد؛»^{۳۶۷} «چهارجوی سالی دو هزار نفر نوکر به امیر می‌دهند.»^{۳۶۸} و همچنین درباره ناامنی راه‌های ارتباطی منطقه گزارش کرده است: «راه گرگان از فساد ترکمان آشفته است.»^{۳۶۹} و یا «از آن سرزمین مخوف درگذشتیم و لیکن همه آن سرزمین و دشت محل خطر و خوف بود.»^{۳۷۰} و یا «اگر این شب در این صحرا بمانید فردا صبح از کثرت ازدحام طوائف ترکمانیه رستن و رفتن نتوانید.»^{۳۷۱}

۲. گروه «سفیران روسی» در گزارش‌های خود توجه غیرقابل مقایسه‌ای با گروه «ایلچیان ایرانی» نسبت به مسایل اقتصادی و بازرگانی منطقه مأموریت خود دارد و داده‌های ارزشمندی را گردآوری نموده است. در این گزارش‌ها نشان داده شده است که نگرش دیپلماتیک عصر جدید نسبت به مسایل اقتصادی و بازرگانی تا چه اندازه نسبت به نگرش سیاسی سنتی دگرگون شده است.

«پاشینو»: از «کشاورزی و آبیاری»،^{۳۷۲} «قنوات»، «سوخت»،^{۳۷۳} «گله‌داری»،^{۳۷۴} «اسبهای ترکستان»،^{۳۷۵} «شترهای ترکستان»،^{۳۷۶} «پرورش گاو و طیور»،^{۳۷۷} «صیادی قرقی‌ها»، «شرح

۳۵۶. سفرنامه بخارا، ص ۶۱.	۳۵۷. هدایت، ص ۹۱.	۳۵۸. همان، ص ۹۰.
۳۵۹. همان، ص ۱۰۲.	۳۶۰. همان، ص ۱۰۱.	۳۶۱. همان، ص ۱۰۱.
۳۶۲. همان، ص ۱۰۱.	۳۶۳. همان، ص ۹۶.	۳۶۴. همان، ص ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۲.
۳۶۵. همان، ص ۵۰، ص ۵۱.	۳۶۶. همان، ص ۱۰۰.	۳۶۷. همان، ص ۱۱۵.
۳۶۸. همان، ص ۱۱۷.	۳۶۹. همان، ص ۱۳۲.	۳۷۰. همان، ص ۱۳۴.
۳۷۱. همان، ص ۱۴۲.	۳۷۲. پاشینو، ص ۲۲۵.	۳۷۳. همان، ص ۲۲۵.
۳۷۴. همان، ص ۲۳۳.	۳۷۵. همان، ص ۲۳۵.	۳۷۶. همان، ص ۲۳۶.
۳۷۷. همان، ص ۲۳۷.		

نحوه صید انواع جانوران،^{۳۷۸} «انواع پرندگان منطقه مرغابی، غاز، کبک، قرقاول، کلاغ‌های مردارخوار،^{۳۷۹} «کاغذسازی،^{۳۸۰} «صباعی،^{۳۸۱} «ابریشم‌سازی،^{۳۸۲} «انواع پارچه،^{۳۸۳} «دباغی پوست،^{۳۸۴} «شمع‌سازی،^{۳۸۵} «انواع ظروف،^{۳۸۶} «صنعت نقره کاری و طلاسازی،^{۳۸۷} «صنایع زنان قرقیز،^{۳۸۸} «حصیربافی و نساجی و نمدمالی،^{۳۸۹} «کشف معدن ذغال سنگ،^{۳۹۰} «معدن ذغال سنگ و سرب،^{۳۹۱} «درصد سرب معادن، درصد نقره،^{۳۹۲} «معادن آهن، مس،^{۳۹۳} «سنگهای قیمتی،^{۳۹۴} «معادن گوگرد، شوره نمک،^{۳۹۵} گزارش کرده است. او در باب کشاورزی و محصولات به دست آمده در منطقه فرارود اطلاعات دقیقی ارائه کرده است مانند: «قنوات پس از استیلا روسیه مخروبه شده،^{۳۹۶} «پنبه محصول خوبی است که سه بار در سال بردارند،^{۳۹۷} «پنبه منحصر است به چمکنند و تاشکنند در حالی که تمام طول سیحون اراضی قابل است برای کشت پنبه،^{۳۹۸} «تخم پنبه از ینگی دنیا آوردند عمل نیامد ... اگر از افریقا آورند عمل آید،^{۳۹۹} «حاصل زمین سیب‌زمینی و صیفی در سال ۱۸۶۵م چقدر بوده است،^{۴۰۰} و درباره انواع محصولات می‌مانند: «آلبالو، انگور، زردآلو، خربزه، هندوانه، کدو، هویج، پیاز، شلغم، عدس، برنج،^{۴۰۱} و «ریشه‌ها ... نیل، روناس، کتان»^{۴۰۲} و این که «ترقی قلعه پروسکی در امر کشاورزی بیشتر از قلعه نمره اول است ... انگوری به خوبی انگور تاشکنند عمل آوردند،^{۴۰۳} و تأیید گفته یک کشیش روس در این منطقه که ارزیابی کرده است: «در صورتی که بتوانیم محصولات را به فروش برسانیم و اگر اجناس ما بفروش رسد گندم بی‌اندازه به دست می‌آید.»^{۴۰۴} در باب صیادی آورده: «من کسی را از سارت یا قرقیز در حال ماهی‌گیری ندیدم ولی ... سریشم ماهی ... اسامی و اسباب ماهی‌گیری در السنه و افواه رایج است،^{۴۰۵} «قزاقان در یک سال چقدر ماهی فروخته‌اند،^{۴۰۶} «برخی اقسام ماهی سیحون به قیمت ۵ تا ده مانوت [منات] فروش می‌رود.»^{۴۰۷} و در باب دامپروری نوشته است: «گوسفندان آن‌ها لطیف‌تر و بوی خوبی دارند... نسبت به روسیه،^{۴۰۸} «گوسفندها پشم‌های طویل، دم‌های بزرگ، رنگ دارچینی روشن دارند ...

۳۷۸. پاشینو، ص ۲۳۸	۳۷۹. همان، ص ۹۱	۳۸۰. همان، ص ۲۴۴
۳۸۱. همان، ص ۲۴۵	۳۸۲. همان، ص ۲۴۶	۳۸۳. همان، ص ۲۴۹
۳۸۴. همان، ص ۲۵۱	۳۸۵. همان، ص ۲۵۳	۳۸۶. همان، ص ۲۵۳
۳۸۷. همان، ص ۱۱۹	۳۸۸. همان، ص ۱۲۳	۳۸۹. همان، ص ۲۳۱
۳۹۰. همان، ص ۲۳۲	۳۹۱. همان، ص ۲۳۳	۳۹۲. همان، ص ۲۳۳
۳۹۳. همان، ص ۲۲۶	۳۹۴. همان، ص ۲۲۷	۳۹۵. همان، ص ۲۲۷
۳۹۶. همان، ص ۲۲۷	۳۹۷. همان، ص ۶۶	۳۹۸. همان، ص ۲۲۹
۳۹۹. همان، ص ۲۳۰	۴۰۰. همان، ص ۲۲۸	۴۰۱. همان، ص ۶۷
۴۰۲. همان، ص ۲۳۹	۴۰۳. همان، ص ۶۶	۴۰۴. همان، ص ۲۴۰
۴۰۵. همان، ص ۲۳۴		

نه ماه سال در صحرا می‌چرند،»^{۴۰۶} «پیه گوسفند را به شمع فروشند،»^{۴۰۷} «اسب‌های قرابایر صد مانوت می‌ارزند ... برای من ممکن نشد [از] اصل و نسب و جنس آن‌ها اطلاعی حاصل کنم،»^{۴۰۸} «نتایجی که از این اسبان به ظهور می‌رسد بسیار پست‌ترند از اسبان پدران خود [احتمال دارد اصلاح نژاد نشده و همخونی پیدا کرده باشند]»^{۴۰۹} «شترها ... ۱۸-۲۰ پوت وزن بار برند و هر سال برای صاحب خود ۱۰۰ مانوت منفعت دارند.»^{۴۱۰} و در باب نیروی کار: «کار بر عهده زنان و کودکان است.»^{۴۱۱} و در باب صنایع مختلف: «در کارخانجات جمیع اوضاع و آلات و ادوات کمافی‌السابق است و هیچ ترقی ننموده،»^{۴۱۲} و «در خجند صنایع اندکی ترقی دارد آن‌هم به جهت اضطراب که مردم مَمَرِ دیگری برای معاش ندارند،»^{۴۱۳} و «اهل ترکستان هیچ سررشته از شیمی و رنگ‌سازی ندارند،»^{۴۱۴} و «در آن مملکت اسباب عمل آوردن ابریشم فراهم است.»^{۴۱۵} در باب تجارت: «قرقیزها تجارت را کسر شأن [خود] می‌دانند ... سارت [تاجیک‌ها] این را غنیمت شمرده از ایشان به حیل و تدابیر منفعت‌ها می‌برند،»^{۴۱۶} و «قوانین شریعت مانع تجارت [منظور او دریافت زکات است]،»^{۴۱۷} و «جمیع مایحتاج خود را از البسه و اغذیه و سایر لوازمات در خود همان ملک ترتیب دهند و بدین واسطه تجارت داخله آن مملکت بسیار وسیع است،»^{۴۱۸} و «به جهت عدم اسراف اهل ترکستان بسیار کم محتاج تجارت دول خارجی می‌باشند،»^{۴۱۹} و «هیچ وقت تجارت [بین المللی] آن ملک ترقی نخواهد کرد.»^{۴۲۰} در باب بهای انواع محصولات: «قیمت انواع پارچه‌ها،»^{۴۲۱} و «بهای کالاها، الکل ... سیگارت،»^{۴۲۲} و در باب انواع مالیات‌های دولتی و شرعی: «مأمور مالیات به نام زکاتچی ... میزان مالیات‌ها.»^{۴۲۳} و در باب راه‌های بازرگانی ترکستان^{۴۲۴} و در باب معادن: «اهل آن مملکت مایل نیستند در صدد تفحص معادن برآیند،»^{۴۲۵} و «معدن طلا که دیگران گفته‌اند مقرون به صرفه نیست [دلیل می‌آورد که] نه مقرون به صرفه است»^{۴۲۶} و در باب «تجارت ترکستان با چین،»^{۴۲۷} و «اجناسی که از روسیه می‌آید و اجناسی که از ترکستان به روسیه می‌رود،»^{۴۲۸} و «جزئیات حمل

۴۰۶. پاشینو، ص ۲۳۳.	۴۰۷. همان، ص ۲۳۴.	۴۰۸. همان، ص ۲۳۶.
۴۰۹. همان، ص ۲۳۵.	۴۱۰. همان، ص ۲۳۶.	۴۱۱. همان، ص ۲۴۲.
۴۱۲. همان، ص ۲۴۲.	۴۱۳. همان، ص ۲۴۱.	۴۱۴. همان، ص ۲۴۹.
۴۱۵. همان، ص ۲۲۸.	۴۱۶. همان، ص ۲۶۰.	۴۱۷. همان، ص ۲۶۱.
۴۱۸. همان، ص ۲۶۲.	۴۱۹. همان، ص ۲۶۲.	۴۲۰. همان، ص ۲۶۲.
۴۲۱. همان، ص ۲۴۳.	۴۲۲. همان، ص ۱۸۰.	۴۲۳. همان، ص ۲۹۰.
۴۲۴. همان، ص ۲۶۷.	۴۲۵. همان، ص ۲۳۳.	۴۲۶. همان، ص ۲۳۱.
۴۲۷. همان، ص ۲۶۸.	۴۲۸. همان، ص ۲۶۶.	

بارهای تجاری بخارا و خیوه،^{۴۲۹} و این که «آهن از روسیه ... یا از قفقاز به ایران و ترکستان ... می‌آید.»^{۴۳۰} و در این باب که «همه اجناسی که از بخارا و خیوه می‌آید و مناسب قرقیزها است ... زین و برگ ... پنبه که به روسیه رود ... جلود مختلفه و پشم اشر و گوسفند از قرقیزها معاوضه نموده و به تجار روسیه فروشد و از روس‌ها ... اقمشه اسباب خرازی ... متقال، کش، تیماج، و ظروف و بلور و آینه و چاقو و قیچی، دکمه، سینی، میخ رشته، دست غاله [علف چین] ... قند ... مشروبات،»^{۴۳۱} می‌خرند و همچنین «این همه بازار در ترکستان برای این است که قرقیزها گوسفند و حبوبات می‌آورند تجار بخارایی پشم و نمند ... روناس به روسیه می‌رود.»^{۴۳۲} و درباره «میوه ... نگهداری میوه ... صادرات انگور و زردآلو به روسیه.»^{۴۳۳} و در باب درآمد تجاری روس‌ها. مانند این که «در دو قلعه نمره اول و پروسکی وجه نقدی از تجارت حاصل می‌آید به یک صد مانوت می‌رسد.»^{۴۳۴} گزارش شده است.

«کستنکو»: نیز از «صنایع و مشاغل و حرف مختلف در آسیای مرکزی،»^{۴۳۵} به ویژه «صنعت ابریشم،»^{۴۳۶} و «صنایع مربوط به پشم و دباغی،»^{۴۳۷} و همچنین «بازارها،»^{۴۳۸} در آسیای مرکزی و در باب «نژادهای اسب و ویژگی‌های هر نژاد،»^{۴۳۹} و «پرورش شتر،»^{۴۴۰} و «معایب گله‌داری آسیای مرکزی،»^{۴۴۱} و در باب «گیاه و نبات آسیای مرکزی،»^{۴۴۲} و «باغات و باغبانی آسیای مرکزی،»^{۴۴۳} و «نظام قنوات در آسیای مرکزی،»^{۴۴۴} و «طریقه عمل آوری اراضی،»^{۴۴۵} و در مورد «کشت پنبه و صنایع وابسته به پنبه و نساجی و رنگرزی و لباس‌ها،»^{۴۴۶} و «نحوه پنبه کاری با تمام جزئیات کشت و برداشت،»^{۴۴۷} و همچنین «انواع گندم‌ها که کشت می‌شود در آسیای مرکزی.»^{۴۴۸} و در باب «نباتات روغنی نباتات که الوان به عمل می‌آورند و نباتات که دواها می‌سازند»^{۴۴۹} و این که «قرقیزها بیشتر ارزن می‌کارند بعد جو برای اسب‌های خود،»^{۴۵۰} و «سکنه شهر بیشتر گندم می‌کارند بعد برنج بعد ارزن بعد جو.»^{۴۵۱} و مسأله «تجارت خارجی آسیای مرکزی،»^{۴۵۲} و «تقسیم اجناس

۴۲۹. پاشینو، ص ۷۲-۷۳.	۴۳۰. همان، ص ۲۵۱.	۴۳۱. همان، ص ۷۴.
۴۳۲. همان، ص ۱۳۵.	۴۳۳. همان، ص ۲۲۹.	۴۳۴. همان، ص ۲۶۳.
۴۳۵. کستنکو، ص ۲۳۹-۲۴۵.	۴۳۶. همان، ص ۲۲۴-۲۲۹.	۴۳۷. همان، ص ۲۳۹-۲۳۴.
۴۳۸. همان، ص ۲۴۹.	۴۳۹. همان، ص ۲۰۰.	۴۴۰. همان، ص ۲۰۴.
۴۴۱. همان، ص ۱۹۸.	۴۴۲. همان، ص ۱۸۹.	۴۴۳. همان، ص ۱۹۰.
۴۴۴. همان، ص ۱۸۵.	۴۴۵. همان، ص ۱۸۷.	۴۴۶. همان، ص ۲۲۸-۲۲۳.
۴۴۷. همان، ص ۱۹۲.	۴۴۸. همان، ص ۱۸۹.	۴۴۹. همان، ص ۱۹۵.
۴۵۰. همان، ص ۱۸۳.	۴۵۱. همان، ص ۱۸۴.	۴۵۲. همان، ص ۲۵۸.

روسی که حمل به ممالک توران می‌شود،»^{۴۵۳} و «مقدار اجناس که از ممالک توران به روس حمل می‌شود،»^{۴۵۴} و همچنین «تجارت خبوه با ایران و بخارا،»^{۴۵۵} و «تجارت بخارا با ایران،»^{۴۵۶} و «تجارت خوقند با بخارا و کاشغر،»^{۴۵۷} و این موضوع که «تجارت بخارا سال به سال تنزل می‌نماید و جهت عمده تنزل اغتشاش و طغیان‌های پی‌درپی ازبک‌ها است.»^{۴۵۸} و در باب «راه‌ها،»^{۴۵۹} و به ویژه «راه‌های تجاری بخارا خبوه تاشکند،»^{۴۶۰} و «چاپارخانه‌ها،»^{۴۶۱} و همچنین «راه‌های آبی،»^{۴۶۲} و «کشتی‌رانی در سیحون و جیحون.»^{۴۶۳} و در باب «تغییرات اخذ مالیات،»^{۴۶۴} و «نحوه مالیات از قرقیزها،»^{۴۶۵} و «مالیات اراضی،»^{۴۶۶} و این که «خراج هر ساله تاشکند یکصد و هشتاد هزار منات،»^{۴۶۷} و در باب «معادن آهن و سرب،»^{۴۶۸} و «معادن مس و طلا،»^{۴۶۹} و «شوره و نمک معدنی.»^{۴۷۰} و همچنین طریقه «عمل آوردن حاصل‌های زیرزمینی در میان اهالی آسیای مرکزی.»^{۴۷۱} و این موضوع که «معادن و فلزات آسیای مرکزی به کلی از نظر اهالی مستور بود و چدن، آهن و مس را از همسایه‌های خود خاصه از روسیه می‌خریدند.»^{۴۷۲} و در باب «علف‌های روی تل‌ها ساکساوول هیزم می‌دهد. خارشتر و سایر گیاه‌ها، علف شتر و سایر دواب و مواشی را می‌دهد.»^{۴۷۳}. و این مسأله که «آبادی، به واسطه مهاجرین در آسیای مرکزی»^{۴۷۴} صورت گرفته، گزارش کرده است که البته منظور او از عبارت «آبادی» همان سیویلیزاسیون یعنی «تمدن عصر جدید» است.

توجه به امور فرهنگی و اجتماعی

۱. گروه «ایلچیان ایرانی» در گزارش‌های خود به امور فرهنگی و اجتماعی محل مأموریت خود توجه بسیار اندکی مبذول داشته است. البته این مسأله شاید مربوط به مشترکات فرهنگی محل مأموریت آن‌ها که جزئی از ایران بزرگ فرهنگی است باشد. با وجود این، تفاوت‌های ظریف فرهنگی مهمی میان فرارود با ایران مرکزی هست، که از نگاه سیاسی سنتی ایلچیان قاجار دور مانده است.

۴۵۳. کستکو، ص ۲۶۲.	۴۵۴. همان، ص ۲۶۴.	۴۵۵. همان، ص ۲۶۶.
۴۵۶. همان، ص ۲۶۷.	۴۵۷. همان، ص ۲۶۸.	۴۵۸. همان، ص ۱۳۲.
۴۵۹. همان، ص ۲۷۳-۲۷۰.	۴۶۰. همان، ص ۲۷۴.	۴۶۱. همان، ص ۲۷۷.
۴۶۲. همان، ص ۲۷۸.	۴۶۳. همان، ص ۲۸۷-۲۸۰.	۴۶۴. همان، ص ۳۱۳-۳۱۲.
۴۶۵. همان، ص ۷۱.	۴۶۶. همان، ص ۹۸.	۴۶۷. همان، ص ۹۹.
۴۶۸. همان، ص ۲۱۴.	۴۶۹. همان، ص ۲۱۵.	۴۷۰. همان، ص ۲۱۶.
۴۷۱. همان، ص ۲۱۵.	۴۷۲. همان، ص ۲۱۸.	۴۷۳. همان، ص ۴۴.
۴۷۴. همان، ص ۳۱۴.		

«ایلچی بخارا»، از جمله مسایل اجتماعی که از اهالی بخارا گزارش کرده این است که: «قاعده آن است که اهل بخارا نمی‌توانند بی اذن امیر دید و بازدید احدی چه اهل ولایت و چه از بیگانه نمایند.»^{۴۷۵}

«ایلچی خوارزم»، نیز از مسایل اجتماعی به این موارد اشاره کرده است: «هر کس را عرضی باشد همه روزه بی ممانعت به خدمت خان حضرت محمد امین‌خان رود و عرضه دارد.»^{۴۷۶} و از علاقه خان خیوه به تاریخ یاد کرده که: «ملا محمدنظر دیوان‌بیگی که فارسی دان بوده و خان خیوق دو هزار تومان داده بود که روضه‌الصفرا را به ترکی بنویسد.»^{۴۷۷} او همچنین می‌نویسد: «مرا جمعی ایلچی‌خان و بعضی ایلچی‌بیگ می‌خواندند. چون لقب خان، مخصوص خان خیوه است»^{۴۷۸} و در مورد باورهای عامیانه آورده است: «در عهد سلیمان ... پریزادی گناهی کرد به دیوی فرمود ... دیو او را به بیابان خوارزم آوردند.»^{۴۷۹} و در مورد مسایل دینی نیز به مواردی مانند «اگر چه همه حنفی مذهب می‌باشند، اما از رخصت‌های سه امام و مفتی دیگر هم ترکیب نمایند.»^{۴۸۰} و «در آن ولایت دو مقبره محترمه است مزار پهلوان محمود خوارزمی پسر پوریای ولی ... دیگر چهار شهباز که مزار اولیا دانند و زیارت کنند.»^{۴۸۱} اشاره کرده است و همچنین یک مشکل اجتماعی را نیز گزارش کرده که «اغلب به واسطه کثرت رطوبت ارضی و سماوی به علت قلت باه و ضعف رجولیت مبتلا باشند.»^{۴۸۲} البته این یک باور سنتی غلط است و این موضوع بیشتر به نژاد و تغذیه ارتباط دارد.

۲. گروه «سفیران روسی»، در گزارش‌های خود توجه زیادی به امور فرهنگی و اجتماعی نموده‌اند. هرچند ممکن است تفاوت فرهنگی خود آن‌ها با مردمان حوزه مأموریت‌شان موجب جلب توجه آن‌ها به امور فرهنگی و اجتماعی شده باشد. ولی داده‌های مهمی را که در گزارش آن‌ها می‌توان به دست آورد نشان از شمه دیپلماتیک عصر مدرن دارد.

«پاشسینو»، تحلیل‌های بسیار مهم اجتماعی را در گزارش خود ارائه داده است. از جمله: «واضح است که طوایف مرکزی آسیا اگر فی‌الجمله انسانیت کرده باشند، البته از ترتیب و اهتمام اهل ایران است و لهذا آهسته آهسته ایشان اوضاع و حالات را از ایرانیان اخذ می‌کنند و خانه‌های ایشان نیز فی‌الجمله شباهتی به عمارات ایران بهم رسانیده و نمی‌توان گفت ایشان از ترتیب و سعی اهل چین و روس به این درجه رسیده‌اند. چون که مملکت خوقند مدتی در تصرف چین بود و اهل آن مملکت

۴۷۷. همان، ص ۸۸

۴۷۶. هدایت، ص ۱۰۰

۴۷۵. سفرنامه بخارا، ص ۳۲

۴۸۰. همان، ص ۹۸

۴۷۹. همان، ص ۹۳

۴۷۸. همان، ص ۹۰

۴۸۲. همان، ص ۹۹

۴۸۱. همان، ص ۹۰

با روسیه مرادیه زیاد داشتند ... با این حال از اوضاع و احوال اهل چین و روس اخذی ننموده‌اند و تقلیدی نکرده‌اند.^{۴۸۲} و دیگر این که «طایفه قرقیزها ... از آداب و رسوم شرعیه از قبیل صوم و صلوه و غیر اطلاعی ندارد و اسلام او همین زبانی است نه قلبی ... جمیع افعال شرعیه در ایشان متروک و همه اعمال شنیعه معمول ... دین آباء و اجدادی بت‌پرستی را از دست نداده‌اند ... هنوز به مذهب شامانی که طایفه‌ای از بت پرستان باقی می‌باشند،^{۴۸۴} و «چیزی که باعث رغبت ایشان شده به دین و مذهب ... سهولت امور دنیوی بوده ... تخفیفی در این تحمیلات ... مباح بودن کثرت ازدواج و ...»^{۴۸۵} و این که «جکیتان می‌گفتند ما را به چشم حقارت منگرید که از نتایج آن اشخاص بزرگ می‌باشیم و یاسای چنگیزخانی نیز به اتمام نزد ما است و رفتار و قانون ما نیز از روی دستورالعمل او است و همه ما اوزبک می‌باشیم،^{۴۸۶} و همچنین «ایلیات ایران شهریان را خوش ندارند. چون که گویند اهل شهر نسب و طایفه معینی ندارند و هریک خود را نسبت به شهری دهند ... شهریان نیز از کثافات و بی ادبی ایشان متنفرند.»^{۴۸۷} او همچنین درباره «ویژگی های طایفه سارت [تاجیک]،^{۴۸۸} و «در شرح ازدواج و تعداد زنان،^{۴۸۹} و «روابط زنان و مردان سارت،^{۴۹۰} و این که «دختران قرقیزی از گروه سارت [تاجیک] شوهر اختیار نکنند و حال آن که مردان قرقیزی از آن گروه زن بگیرند،^{۴۹۱} و «چون قرقیزها بر سر آن ایالت حمله آوردند و طایفه سارت را مطیع ساختند،^{۴۹۱} گزارش کرده است. او درباره فرهنگ‌های قهوه‌خانه و معرکه‌گیری در فرارود، گزارش‌های جالب توجهی مانند «برخی اشخاص از غایت بیکاری اغلب اوقات یا به قهوه‌خانه یا به معرکه درویش حاضر می‌شدند و یا آن که در دکان خود نشسته و گوش به خواندن درویشی که از قهوه‌خانه می‌آمدند فراداشته بودند،^{۴۹۲} و یا «در قهوه‌خانه‌ها از صبح تا شام به نقل اخبارات جدید مشغول می‌باشند،^{۴۹۳} و یا «مردان در دکان گوش به حکایات درویش ... حکایات هارون‌الرشید، جنگ افراسیاب و رستم و سلاطین ایران دهند ... در آن ضمن نیز مستمعین را دعوت کنند که باید مسلمانان اجماع نمایند و کفار را برطرف سازند،^{۴۹۴} ارائه داده است. او به معضل اجتماعی بیکاری و کساد بازار کار در این منطقه در این دوره به این صورت که «خرید و فروش‌های جزئی در دکان‌ها یا در روی الاغ را معطلی و بیکاری^{۴۹۵} می‌نامد و می‌نویسد که «اجناس با جزیی منفعت به فروش می‌رود ... این

۴۸۳. پاشنیو، ص ۱۳۶.	۴۸۴. همان، ص ۱۱۲.	۴۸۵. همان، ص ۱۱۳.
۴۸۶. همان، ص ۱۵۶.	۴۸۷. همان، ص ۱۵۶.	۴۸۸. همان، ص ۲۲۰، ۲۹۳.
۴۸۹. همان، ص ۲۸۸.	۴۹۰. همان، ص ۲۸۸.	۴۹۱. همان، ص ۱۵۶.
۴۹۲. همان، ص ۱۳۵.	۴۹۳. همان، ص ۲۸۶.	۴۹۴. همان، ص ۲۸۶.
۴۹۵. همان، ص ۱۶۹.		

اعمال از راه تن‌پروری و لاقیدی است،»^{۴۹۶} و «اهالی محتاج تلاش زیاد نیستند.»^{۴۹۷} و همچنین به «تکدی‌گری اطفال به زبان روسی از صاحب‌منصبان و زنان روسیه»^{۴۹۸} اشاره کرده است. او همچنین در باب علمای دینی و نفوذ اجتماعی آن‌ها در منطقه چنین گزارش کرده است: «علماء اهل تسنن بسیار بر عوام مسلط می‌باشند و استفاده البسه حریر و آلات و اسباب زینتی را منع نموده‌اند،»^{۴۹۹} و «علما بر عوام بسیار مسلط می‌باشند ... در میان علماء آن‌جا احتمال می‌رود کسی باشد که حمایت از امیر بخارا کند،»^{۵۰۰} و «علما کمال تسلط را بر شهر دارند ... تنفر از مذهب خارجیہ ... مدتی مدید و زحمتی بعید لازم است از این اعتقادات منصرف شوند.»^{۵۰۱} و «مردم به قاضی کلیان (کلان) و شیخ الاسلام اعتقاد ندارند ولی به پیشوایان مدارس رعیت از دل و جان اعتقاد دارند.»^{۵۰۲} و همچنین درباره «تنبیہات شرعی،»^{۵۰۳} و «خواجگان،»^{۵۰۴} و این که «کتاب‌های کتابخانه‌ها کتاب‌های مذهبی و یک جلد شاهنامه که عکس‌های آن پاک شده بود»^{۵۰۵} و «نحوه تعلیم و تعلم اطفال از ده سالگی،»^{۵۰۶} و «دروس شرعیہ حکمت حساب طب،»^{۵۰۷} و باورهای عامیانه، مانند این که «اهل ترکستان اکل سیب زمینی را که در ولایات ما بسیار شایع است حرام و معصیت می‌دانند.»^{۵۰۸} و درباره رعایت نکردن نظافت شهری می‌نویسد که «ناظم گفت چند مرتبه گفتم که گوسفند را در غیر مکان خود ذبح نمایند و در آن‌جا نیز اجزاء گوسفند که به کار ناید به سیحون ریزند.»^{۵۰۹}

«کستنکو» نیز در گزارش خود به مسایل اجتماعی مهمی پرداخته است. مانند «نصف جنوبی توران اراضی واقع در محوطه دو رود سیحون و جیحون است ... بهتری لوازم و آب و هوا و اراضی یکسان سبب و علت شده که سیویلیزاسیون در این‌جا قدری رونق و ترقی حاصل نموده. نه در این عصر بلکه بنیان آن از عهد قدیم گذاشته شده و چند مرتبه ترقی و رونق یافته باز تنزل نموده. یعنی گاه مشتعل و گاه منطفی [خاموش] گردید. ولی الان نهایت انطفا را دارد. مدت مدید است که از زیور افتخارات خود عاطل‌اند و وجود آن‌ها بر روی آثار دارسه [باستانی] عظمت سابق خود دایر می‌باشد.»^{۵۱۰} و یا «در سمت شمال توران اسباب مقدمات انتشار سیویلیزاسیون و آبادی چقدر کم است. هیچ‌گاه از یک درجه بالاتر نرفته و آن یک درجه بالاتر از حالت صحراگردی نبوده.»^{۵۱۱}

۴۹۸. همان، ص ۲۷۰.

۵۰۱. همان، ص ۲۷۹.

۵۰۴. همان، ص ۲۷۷.

۵۰۷. همان، ص ۲۷۳.

۵۱۰. کستنکو، ص ۴۶.

۴۹۷. همان، ص ۲۶۰.

۵۰۰. همان، ص ۲۷۵.

۵۰۳. همان، ص ۲۷۵.

۵۰۶. همان، ص ۲۷۲.

۵۰۹. همان، ص ۱۸۰.

۴۹۶. پاشنیو، ص ۲۵۹.

۴۹۹. همان، ص ۲۶۶.

۵۰۲. همان، ص ۲۷۶.

۵۰۵. همان، ص ۲۷۹.

۵۰۸. همان، ص ۱۷۵.

۵۱۱. همان، ص ۴۵.

یا «جنگ‌های پی در پی خوانین بخارا، خیوه و خوقند باعث شده شهرهای متعدده که یک زمانی رونق و آبادی کلی داشته خراب و ویران شده و دیگر امکان ترقی و رونق به هم نرسانیده.»^{۵۱۲} و در باب مسایل اجتماعی اقوام مختلف چنین گزارش کرده است: «طوایف عمده توران ایرانی و ترک‌اند] ایرانی‌ها علائِمِ نسب و نژاد در آن‌ها موجود است ... زبان ایرانی ... علوم و صنایع، منحصر و مخصوص تاجیک‌هاست ... در رتق و فتق امور ممالک خوانین به مراتب و مناصب عالیه می‌رسند.»^{۵۱۳} و یا «تاجیک‌ها صاحبان سابق ترکستان‌اند.»^{۵۱۴} و یا «تاجیک‌ها برای امنیت و راحت خلق شده ... اقدام به زراعت و تجارت و صنعتی نموده‌اند و ابدا میلی به جنگ ندارند.»^{۵۱۵} و یا «جمیع سعی و مواظبتی که از یک در کار اسب و اسلحه و یراق اسب خود دارد، تاجیک در خانه و لباس خود می‌نماید»^{۵۱۶} و «ترک‌ها ریاست بر بیست نفر دزد مفلوک را بهتر از شخص دوم یک لشکر منظم مسلح آراسته می‌دانند.»^{۵۱۷} و یا «میل ترک‌ها به بیکاری ... به عقیده اهالی اروپا میل به کار کردن در جمیع آسیا وجود ندارد.»^{۵۱۸} و یا «قرقیزها در پست ترین پله و درجه سیویلیزاسیون واقع‌اند.»^{۵۱۹} همچنین اطلاعاتی درباره «اعراب، یهودی‌ها و هندوها»^{۵۲۰} ساکن در فرارود ارائه داده است. او درباره نقش اجتماعی دین اسلام چنین تحلیل کرده است: «احکام پیامبر که اعراب صحراگرد را با هم ملحق نمود، به عینه نقل بدین صفحات شده و در میان طوایفی که هم از حیثیت رسوم و آداب، هم از جهت زبان تباین و تفاوت کلی با اعراب دارند ریشه دوانده و تربیت و سیویلیزاسیون آن‌ها را ترقی کلی داده.»^{۵۲۱} او درباره آثار اجتماعی تعلیم دین در فرارود در آن دوره نوشته است: «کلیه این تعلیم و تعلم اگر چه بر مراتب شعور و عقل آن‌ها نمی‌افزاید، اما زیاد در قلب آن‌ها اثر می‌کند و تعصب کاملی در ایشان پیدا می‌شود که از روی تقلید اعتقاد کاملی به قواعد مذهبی خود به هم می‌رسانند.»^{۵۲۲} همچنین گزارش کرده است که «قرقیزها قیدشان به مذهب کم است ... دولت روس خبط عظیمی کرد که از قرن گذشته ساعی شد که مذهب اسلام را در میان طوایف مزبوره رواج دهد ... نماز را دو وعده می‌خوانند ... با روزه سر و کاری ندارند ... حجاب و روگیری میان زنانشان رسم نیست.»^{۵۲۳} درباره نفوذ علما در جامعه و تعصب مذهبی گزارش کرده است که: «بیشتر از دخل ولایات به مصرف حفظ و نگهداری دین و مذهب و مدارس می‌رسد ...

۵۱۴. همان، ص ۱۰۵.

۵۱۳. همان، ص ۸۳-۸۲.

۵۱۲. کستنکو، ص ۸۲.

۵۱۷. همان، ص ۱۰۵.

۵۱۶. همان، ص ۱۰۷.

۵۱۵. همان، ص ۱۰۷.

۵۲۰. همان، ص ۸۷.

۵۱۹. همان، ص ۷۲.

۵۱۸. همان، ص ۱۰۵.

۵۲۳. همان، ص ۷۳.

۵۲۲. همان، ص ۱۰۳.

۵۲۱. همان، ص ۱۱۴.

رسم تنظیمات این ممالک شرعی است. عنان کل اختیارات مملکتی به دست علم می‌باشد.^{۵۲۴} و یا «قرقیزها ... قراقلیق‌ها ... ترکمن‌ها ... استدعا نموده‌اند که روسیه ایشان را به رعیتی قبول نمایند ... مانع ... تعصب مذهبی تاجیک است.»^{۵۲۵} و همچنین درباره «قضاوت در میان طایفه قرقیز،»^{۵۲۶} و «طایفه علما و مقدسین،»^{۵۲۷} و وظایف آن‌ها و درباره «مدارس دینی،»^{۵۲۸} و وظایف «رئیس مذهب در هر شهر،»^{۵۲۹} و شرح «مجازات‌های اسلامی،»^{۵۳۰} «وقف،»^{۵۳۱} و «مکتب‌خانه‌ها،»^{۵۳۲} و مواردی مانند «اخلاق ترکان،»^{۵۳۳} و «ظلم حاکمان،» و «رشوه قاضیان،»^{۵۳۴} و همچنین در باب این موضوع که «اراضی را مردم به شراکت عمومی مالک می‌باشند،»^{۵۳۵} و همچنین «توصیف وضعیت شهرها در آسیای مرکزی ... دیوار، مسجد جامع، مصالح از گل، اسباب خانه‌ها، کرسی،»^{۵۳۶} و «کوچه‌ها، دکاکین، جوی شهر، خوراکی‌ها، نان،»^{۵۳۷} و این موضوع که «ریش سفیدان ... مسئول اجرای احکام بیگ‌ها... تعمیر راه‌ها، حصار شهر، مواظبت از انهار و قنوات»^{۵۳۸} گزارش کرده است. او در گزارش خود آورده «وحشی‌ها [شرقی‌ها] مهمان نواز و تربیت شدگان [غربی‌ها] با ادب می‌باشند.»^{۵۳۹} او در این عبارت به زعم خود تفاوت فرهنگی مردمان سنتی شرق را با مردمان عصر جدید در غرب بیان کرده است. اما، در واقع پدیده‌ای که رخ داده این است که در میان مردمان غرب جدید سنت‌های کهن نیکویی، مانند میهمان‌نوازی ناگزیر به فراموشی سپرده شده و انقلاب عصر جدید در ازای آن آداب اجتماعی مدرن را بر اساس اقتضای خود جایگزین آن کرده است.

نتیجه‌گیری

با تحلیل مقایسه‌ای گزارش سفر ایلچیان ایرانی با سفیران روسی به منطقه فرارود، شاید بتوان برخی از پرسش‌های تاریخی را بازپاسخ داد. بررسی گزارش‌های این مأموران نشان می‌دهد در روسیه تزاری اتفاق بزرگی رخ داده است که ایران قاجاری به کلی از آن بی‌خبر است. تفاوت گزارش‌های روسی با ایرانی تمایز آشکاری را میان نگرش دیپلماتیک عصر جدید در سفیران روسی، نشان می‌دهد که با نگرش سیاسی سنتی ایلچیان ایران، تفاوت ساختاری دارد. ارتش مدرن روسیه قوی‌تر

۵۲۶. همان، ص ۷۰.

۵۲۹. همان، ص ۹۶.

۵۳۲. همان، ص ۱۰۲.

۵۳۵. همان، ص ۱۸۴.

۵۳۸. همان، ص ۹۵.

۵۲۵. همان، ص ۱۰۸.

۵۲۸. همان، ص ۱۰۱.

۵۳۱. همان، ص ۱۰۱.

۵۳۴. همان، ص ۱۱۵.

۵۳۷. همان، ص ۹۱.

۵۲۴. کستنکو، ص ۱۱۳.

۵۲۷. همان، ص ۱۰۰.

۵۳۰. همان، ص ۹۷.

۵۳۳. همان، ص ۱۰۴.

۵۳۶. همان، ص ۹۰.

۵۳۹. همان، ص ۱۱۲.

از قشون ایران است. اما، فقط این امر، مایه برتری آن و ضعف این نیست و تحولات بزرگتری در جهان آن روزگار رخ داده است. در حقیقت برومندی و نیرومندی عصر جدید با ضعف و ناتوانی سنت قدیم در فرارود رودررو شده‌اند. در این رویارویی شکست بخارا، خوقند، و خیهو اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. تحولات عصر جدید پیش از آن که ارتش روسیه را توانا نماید، اندیشه روس‌ها را متحول کرده و چشم آن‌ها را به جهان جدید و متفاوتی باز کرده بود و نیرومندی نظامی یکی از ثمرات آن تحول بزرگ بود. در حالی که شجاعت‌ها و جوانمردی‌ها و هوشمندی‌های مردمان ایرانی فرارود، در مقابله با بایسته‌ها و مقتضیات عصر جدید رنگ باخته و بی‌اثر شده بود. پاشینو و کستنکو، پرورده عصر جدیدی هستند که روسیه مدرن را برای دسترسی به منابع طبیعی و انسانی بیشتر تشویق به تسخیر فرارود می‌نمایند. در حالی که، ایلچیان ایرانی در دنیای سنتی خودشان، مسیر تهران به بخارا و خیهو را می‌پیمایند. این طور نیست که ایلچیان ایرانی از هوش و تدبیر و کاردانی برخوردار نبوده‌اند. بلکه بایسته‌ها و الزامات عصر جدید هوش، تدبیر، و کاردانی سفیران روسی را متحول کرده است. از این رو، نتایج به دست آمده نیز برای ایندو گروه و به دنبال آن برای دولت‌های متبوعشان متفاوت بوده است. سفیران عصر جدید و ایلچیان دنیای قدیم در فرارود هر کدام چیزهای متفاوتی را دیده و موارد مختلفی را درک کرده و گزارش نموده‌اند. روس‌ها دنیاگرایانه در منابع، فرهنگ، اجتماع، دین، سیاست، آداب و رسوم جستجو می‌کنند و می‌خواهند از همه امکانات و منافع اقتصادی موجود نهایت بهره‌برداری را داشته باشند و با سلطه نظامی مالکیت سیاسی سرزمینی را از آن خود سازند. در حالی که ایرانی‌ها برای بزرگنمایی شکوه و جلال اعلی حضرت شاهنشاه می‌کوشند و فقط در پی باز پس گیری ولایات از دست رفته و آزادی اسیران خود می‌باشند.

کتابنامه

- سفرنامه بخارا. تصحیح حسین زمانی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۳.
- پاشینو، پیتر ایوانوویچ. سفرنامه ترکستان. ترجمه مادرورس داودخانف. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۲.
- کستنکو، کاپیتان اتاماژور. شرح آسیای مرکزی و انتشار سیویلیزاسیون روسی در آن. ترجمه مادرورس داودخانف. تهران: موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۳.
- هدایت، رضاقلی خان. سفارت نامه خوارزم. تصحیح جمشید کیان‌فر. تهران: میراث مکتوب، ۱۳۸۵.